

## نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی

دکتر عباس کدخدایی

### مقدمه

در سالهای اخیر در محافل مختلف حقوقی، تجاری و سیاسی کشورمان بحث‌هایی پیرامون عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی "WTO" به عمل آمده و نظرات مختلفی از سوی موافقان و مخالفان ابراز شده، که محتاج بررسی و ارزیابی می‌باشد. مع ذلك آثار مکتوب درخصوص سازمان تجارت جهانی و نهادهای وابسته به آن و ساختار و عملکرد آن کمتر به چشم می‌خورد. بدیهی است ارزیابی و کنکاش پیرامون یک موضوع، بدون شناسایی دقیق و آشنا بودن با جزئیات آن، به نتیجه مطمئن و مطلوبی راه نمی‌برد. در این مقاله، سعی شده صرفنظر از نظرات مخالف یا موافق جهت پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی، نگرشی

نسبتاً همه‌جانبه به یکی از مراجع اساسی و تعیین‌کننده آن، یعنی مرجع حل اختلاف که عهده‌دار وظیفه حل و فصل اختلافات تجاری در بین اعضا می‌باشد، داشته باشیم و آن را به جامعه حقوقی — تجاری کشورمان بهتر بشناسانیم. امید آنکه این مختصر برای محققین و پژوهشگران کشور در سطوح مختلف دانشگاهی و اجرایی مفید واقع گردد.

### بخش ۱

## تاریخچه تحولات نظام رسیدگی به اختلافات اعضای گات "GATT"

همان‌گونه که می‌دانیم، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به گات<sup>۱</sup> که از این پس از آن به‌عنوان «موافقتنامه» نام برده خواهد شد، ابتدا در سال ۱۹۴۷ به امضا رسید و پس از اجرا چندین بار مورد تجدیدنظر و اصلاح واقع شد. آخرین اصلاحات پس از مذاکرات طولانی موسوم به «مذاکرات دور اروگوئه»<sup>۲</sup> بود که در سال ۱۹۹۳ میلادی با صدور یک مصوبه نهایی<sup>۳</sup>

1. General Agreement on Tariffs and Trade.

2. The Uruguay Round Negotiations.

3. The Final Act of the Uruguay Round.

ضمن اعلام تغییرات اساسی در مقررات گات، سازمان جدیدی را به نام سازمان تجارت جهانی<sup>۴</sup> معرفی نمود. این مصوبه، نه تنها ساختار اداری گات را تغییر داد، بلکه طی ضوابط چندین سعی نمود از طریق ایجاد نهادهای جدید، توانمندی و کارایی سازمان تازه تأسیس تجارت جهانی را بیش از پیش بهبود بخشیده و انتقادات وارده به نظام قبلی را تا حدود زیادی مرتفع سازد، اگرچه هنوز هم انتقاداتی بر آن وارد است.

از جمله موارد بحث‌انگیز و مورد اختلاف در نظام سابق گات، چگونگی رسیدگی و حل اختلافات حاصله بین اعضا بود که فقدان یک نهاد یا سازمان مستقل برای رسیدگی به اینگونه اختلافات، سرآمد این مباحث و انتقادات بود.

به‌طور کلی، در موافقتنامه قبلی گات (۱۹۴۷)، موضوع حل و فصل اختلافات به‌طور گسترده و جامعی مد نظر قرار نگرفته و اصولاً تعریف خاصی نیز از «اختلاف» به عمل نیامده بود.

قواعد و مقررات راجع به رسیدگی به

---

4. The World Trade Organisation.

اختلافات تجاري در بين اعضاي گات به طور مشخص تنها در دو ماده ۲۲ و ۲۳ از موافقتنامه قبلي (۱۹۴۷) ذکر شده بود. علاوه بر آن به صورت پراکنده و ناهمگون موارد ديگري در ضمن مقررات مختلف و حسب مورد بيان گرديده بود که از جمله مي توان به مواد (۷) ۶، (۴) ۱۲، (۱) ۱۶، (۲) ۱۹، (۱) ۲۳، ۲۸، (۴) ۱۲، (۳) ۱۹، (۲) ۲۳، (۷) ۲۴، (۵) ۲۵ و (۴) ۲۸ موافقتنامه گات اشاره نمود.

البته مقررات حاکم بر حل و فصل اختلافات در بين اعضا تنها به موارد فوق محدود نشده، بلکه در طی سالهاي پس از تشکيل گات (۱۹۴۷)، تفاهم نامه ها، تصميمات و موافقتنامه هاي فرعي ديگري نيز به امضا رسیده که هر کدام از دريچه اي خاص، ناظر بر نظام حل و فصل اختلافات گات بوده و نقش خود را ايفا مي کرده است. از مهمترين اين تغييرات و اصلاحات مي توان به تغييرات سالهاي ۱۹۵۵، ۱۹۵۸، ۱۹۶۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ اشاره نمود. مضافاً آنکه اصلاحات چندي نيز در طی ادوار مذاکرات اصلاحي گات مانند مذاکرات مشهور به دورکندي (۱۹۶۷—۱۹۶۴)

و دورتوكيو (۱۹۷۳-۱۹۷۹) انجام پذيرفته  
كه هر كدام تغييرات و اصلاحاتي را بر  
نظام حل و فصل اختلاف داشته اند. مثلاً در  
دور توكيو تفاهم نامه اي در تاريخ ۲۸  
نوامبر ۱۹۷۹ به همراه ضمايم چندي  
به تصويب و تأييد اعضا رسيد كه شامل  
موارد ذيل بود:

تذکر (Notification)، مشورت (Consultation)، حل  
و فصل اختلاف (Dispute Settlement) و نظارت  
(Surveillance)،

از ديگر موارد اصلاحي ناظر بر نظام  
حل و فصل اختلافات گات، مي توان به  
مصوبه هاي شوراي وزيران كشورهاي عضو گات  
به شرح ذيل اشاره نمود:

۱. تصميم سال ۱۹۶۶، ناظر بر رويۀ  
حل و فصل اختلافات، قابل اجرا بين يك  
كشور در حال توسعه عضو گات و يك كشور  
توسعه يافته عضو گات كه براساس ماده ۲۳  
تنظيم و به تصويب رسيد؛

۲. مصوبه جلسه سي و هشتم شوراي  
وزيران در سال (۱۹۸۲) ناظر بر رويه حل  
و فصل اختلافات؛

۳. تصميم مورخ ۱۹۸۴، ناظر بر رويه

نگرشي بر ساختار... ❖ ۱۲۹

حل و فصل اختلاف، مصوبه جلسه چهارم و در نهایت؛

۴. تصمیم مورخ ۱۹۸۹ ناظر بر بهبود و بسط مقررات حل و فصل که توسط کمیته مذاکرات تجارت دوراروگوئه در ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ به تصویب رسید. شایان ذکر است که آخرین و کاملترین این اصلاحات، در پی تشکیل سازمان تجارت جهانی و در نتیجه مذاکرات دور اروگوئه طی یک تفاهنامه مستقل وضع گردیده که سیر و چگونگی تصویب به همراه ارزیابی حقوقی آن در بخشهای بعدی بحث خواهد شد.

### **چگونگی رسیدگی به اختلافات تجاری بین اعضای گات براساس مقررات سابق**

اگرچه در ابتدا ممکن است تصور گردد که نظام حل و فصل اختلافات جدید، مشابه نظام قبلی می‌باشد لیکن در اساس و در بسیاری از موارد این مقررات تغییر کرده، مخصوصاً آنکه سعی شده با حذف مقررات دست و پاگیر و تصویب مقررات جدید، سرعت و کارایی بیشتری به نظام نوین داده شود.

براساس مقررات گات سابق، چنانچه

اختلافی در بین دو عضو گات حادث می‌گردد، عضو خسارت‌دیده باید مطابق مواد ۲۲ و ۲۳ موضوع را با طرف خاطی در میان گذاشته و حتی‌المقدور آن را بین خودشان به‌نحوی حل و فصل نمایند و در صورت عدم رفع اختلاف موضوع به سایر اعضا گزارش می‌گردد.<sup>۵</sup> چنانچه در این مرحله نیز نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد و اختلاف حل نمی‌گردد، عضو زیان‌دیده می‌توانست درخواست تشکیل یک هیأت رسیدگی (Panel) را که شامل ۳ تا ۵ نفر بود، بنماید و در حقیقت این مرحله، آخرین مرحله حل اختلاف قلمداد می‌گردد، پس از آن، گزارش هیأت رسیدگی به شورا (Council) ارجاع می‌شد، که شورا نظرات و گزارش هیأت رسیدگی را یا به‌طور کامل و یکجا قبول و یا آن را رد می‌نمود. به‌عبارت دیگر پذیرش جزئی گزارش هیأت رسیدگی از سوی شورا امکان‌پذیر نبود. و تصمیم شورا می‌بایست به‌صورت اجماعی و اتفاق آراء باشد. اگرچه در صورتی‌که استدلال‌ات هیأت رسیدگی ضعیف به‌نظر می‌رسید، موضوع می‌توانست مجدداً

---

۵. ماده ۲۳ از گات.

مورد رسیدگی قرار گیرد،<sup>۶</sup> لیکن به‌طورکلی تجدیدنظر از آرا هیأت رسیدگی امکان‌پذیر نبود و این امر خود به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ایرادات وارده به نظام سابق تلقی می‌شد.

چنانچه گزارش و نظرات هیأت رسیدگی در شورا به تصویب می‌رسید، باید در ظرف مدت معقولی به اجرا گذاشته شود و شورا موظف بود بر اجرای آن نظارت داشته باشد.<sup>۷</sup> در صورت عدم اجرا، عضو خسارت‌دیده می‌توانست اقدام به تلافی و مقابله به مثل نماید، مشروط بر آنکه شرایط مندرج در بند ۲ از ماده ۲۳ گات سابق را رعایت کند.

## **امتیازات و ایرادات نظام حل و فصل اختلافات سابق**

### **۱. امتیازات**

نظام حل و فصل اختلافات سابق، با وجود خیل ایراداتی که بر آن وارد بود و مرتباً مورد اصلاح واقع می‌شد، از سوی

---

6. Norio Komuro: "The WTO Dispute Dispute Settlement Mechanism: Convergence and Procedures of the WTO", Journal of World Trade, Vol. 29. No. 4, (1995) pp. 5.96, at Page 22, Footnote No. 57.

۷. ماده ۲۳، بند ۲.



برخي نويسندگان به عنوان يك نظام منحصر به فرد بين‌المللي براي رسيدگي به اختلافات بين دول قلمداد شده است.<sup>۸</sup> اين گروه در مقايسه با ساير سازمانهاي اقتصادي بين‌المللي مانند صندوق بين‌المللي پول<sup>۹</sup> و بانك جهاني<sup>۱۰</sup> نظام گات را دقيق، جامع و داراي قواعد اساسي در تمام امور مربوط به تجارت دانسته و در نهايت الزام قانوني تصميمات راجع به حل و فصل اختلاف از سوي اعضا را از ويژگيهاي خاص آن مي‌خوانند.<sup>۱۱</sup>

از ديگر دلايل ارائه شده براي منحصر به فرد بودن نظام گات در مقايسه با ساير توافقنامه‌هاي بين‌المللي، تكيه بر استفاده از تمام روشهاي ديپلماتيك و حقوقي موجود و نيز تأكيد بر استفاده و به‌كارگيري مقررات خود گات به‌جاي استفاده از ساير مقررات بين‌المللي بوده است.<sup>۱۲</sup>

---

8. E.U. Petersmann: "The GATT Dispute Settlement System and the Uruguay Negotiations on its Reform", Legal Issues in International Trade, Petar Sarcevic and Hans Van Houtte, 1990, pp. 53-99, at Page 60 and 61.

9. International Monetary Fund.

10. The World Bank.

۱۱. رجوع نماييد به پاورقي شماره ۸، ص ۶۰.

۱۲. همان مدرک.

از جمله دیگر ویژگی‌های گات سابق، تفکیک راه‌های ورود ضرر و زیان و تقسیم‌بندی تخلفات انجام شده توسط دول عضو می‌باشد، بند ۱ از ماده ۲۳ گات سابق، دو نوع تخلف و نقض مقررات را در نظر گرفته است، «تخلف همراه نقض» (Violation) و «تخلف بدون نقض» (Non-Violation). در نوع اول، ورود خسارت یا خسارات احتمالی به یک عضو، ناشی از تخلف عضو یا اعضای دیگر که از مقررات گات و نقض آن است، مثلاً عدم انجام تعهدات مبنی‌بر آزادسازی نوعی کالا که طبق تصمیمات متخذه در گات صادرات و یا واردات آن آزاد شده است. اما در نوع دوم، خسارت یا خسارات ممکن است بر اثر تخلف از مقررات گات نباشد، بلکه به‌علت به‌کارگیری اقدام یا اقدامات دیگری است که عملاً انجام و اجرای مقررات گات را ناممکن ساخته و به‌طور غیرمستقیم باعث ورود ضرر و زیان به دولت و یا دول عضو گردد. تمییز این دو نوع خلاف در نظام گات از جمله ویژگی‌های آن قلمداد شده است به‌نحوی‌که دول عضو را ملزم می‌نماید نهایت تلاش خود را جهت اجرای گات به‌کار

گیرند.

از دیگر امتیازات برشمرده شده برای تمییز بین نظام گات و سایر نظامهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی آن است که معمولاً و مخصوصاً در نظامها و قراردادهای تجاری بین دول در سطوح بین‌المللی، نقض مقررات يك توافقنامه زمانی به مراجع حل اختلاف ارجاع می‌گردد که متضمن ورود ضرر و زیانی به دولت، دول و یا جامعه بین‌المللی باشد به عبارت دیگر مادام‌که نقض تعهدات بین‌المللی منجر به خسارت نشده مسئولیتی به دنبال نمی‌آورد. لیکن براساس مقررات گات صرف عدم اجرای مقررات گات تخلف محسوب شده و عضو یا اعضای متخلف، موظفند اقدامات جدی و عملی را در به‌کارگیری مقررات آن و اصلاح روشهای خود به عمل آورند.<sup>۱۳</sup>

در نهایت دو امتیاز دیگر برای بی‌مانندی نظام حل و فصل اختلاف در گات را چنین برشمرده‌اند: که اولاً، هدف عمده و اساسی ماده ۲۳ آن است که به هر وسیله ممکن در اسرع وقت، اقدامات خلاف مقررات گات متوقف شود که برای این منظور

---

۱۳. همان مدرک.

می‌توان متوسل به هرگونه داور، قضاوت و یا رجوع به سایر مراجع اداری شد.<sup>۱۴</sup> ثانیاً، به‌کارگیری، مراجعه و استفاه از مقررات حل و فصل اختلافات در گات بیشتر از سایر مقررات مشابه در زمینه‌های بین‌المللی بوده و این امر خود نشانگر کارایی بهتر این نظام می‌باشد.<sup>۱۵</sup>

لکن علی‌رغم ذکر امتیازات و ویژگی‌های فوق‌الذکر، ایرادات شکلی و ماهوی مهمی به نظام سابق گات وارد شده بود که طی مذاکرات دوراروگوئه سعی شد نسبت به رفع آن اقدام گردد. ابتدا این ایرادات بررسی و سپس سیر تهیه، تصویب و ویژگی‌های نظام جدید بررسی خواهد شد.

## ۲. ایرادات

اگرچه نظام رسیدگی به اختلافات به‌خاطر امتیازاتی چند از سایر نظام‌های مشابه متمایز شناخته شده اما این بدان معنی نیست که عیوب آن پنهان بماند. ایراداتی که بر نظام سابق وارد شده بود برخی به ماهیت آن نظام مربوط می‌شد و

---

۱۴. ماده ۳، بند ط.

۱۵. رجوع نماید به پاورقی شماره ۸ و ص ۶۱.

برخي ديگر به شكل رسيدگي به اختلافات كه به طور خلاصه به مواردی چند اشاره خواهيم كرد:

اولين ايراد اساسي به نظام حل و فصل اختلافات سابق پراكندي مقررات مربوط به حل اختلافات در جاي جاي پيمان گات و يا تصميمات متعدد شوراي وزيران مي باشد، به عبارت ديگر نظام قبلي، تشكيلات ثابت، منسجم و منظمي را براي رسيدگي به اختلافات در نظر نگرفته بود، بلكه در طي تفاهم نامه ها و تصميمات مختلف سعي شده بود كه در هر مورد قديمي در جهت بهبود نظام رسيدگي به اختلافات برداشته شود.

دومين ايراد وارده به نظام قبلي حل و فصل اختلافات، فقدان راههاي مناسب بود كه بتواند مؤثرتر عمل کرده و حاکمیت قانون را به نحو مستحکم تري جامه عمل بپوشاند.

سومين ايراد كه البته در طول سالهاي قبل از مذاكرات دوراروگوئه تا حدودي حل شده بود، فقدان رويه خاص براي رسيدگي به اختلافات موجود بين كشورهاي در حال توسعه عضو گات و كشورهاي توسعه يافته

نگرشي بر ساختار... ❖ ۱۳۷

بود. همیشه این نظر وجود داشت که به علت آنکه کشورهای توسعه‌یافته قدرت و توان بهتر و بیشتری در زمینه‌های اقتصادی – تجاری دارند، کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند حتی با وجود مقررات موجود گات به نتایج مطلوبی در روابط تجاری دست یابند. بنابراین لازم بود هنگام رسیدگی به این‌گونه اختلافات، موقعیت کشور مورد نظر از جهات اقتصادی – تجاری در نظر گرفته شود.

چهارمین ایراد به نظام قبلی که اگرچه ظاهراً شکلی به نظر می‌رسد ولی در ماهیت رسیدگی به اختلافات تأثیر به‌سزایی داشت، عدم کارایی و ابهام در مواعید و زمان‌بندی مراحل مختلف در مقررات راجع به حل و فصل اختلافات بود به‌نحوی که اجرای مقررات کلی گات را با تأخیر مواجه می‌ساخت و در برخی موارد عملاً آن را خنثی می‌کرد.

پنجمین ایراد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌باشد، وجود نوعی حق وتو بود برای اعضا و بلوکه کردن تصمیمات هیأت رسیدگی توسط دولت و عضو ذی‌نفع بود، بدین معنا که اگر دولتی تصمیمات و

گزارش هیأت رسیدگی (panel) را مخالف منافع خود می‌دید، با رأی منفی از اجرای آن جلوگیری می‌کرد مانند آنچه امریکا و یا کشورهای توسعه‌یافته دیگر به کرات مرتکب شده بودند.<sup>۱۶</sup> در صفحات بعد درباره این نکته مفصلاً بحث خواهد شد.

ششمین و آخرین ایراد فقدان مرجع تجدیدنظر و نیز فقدان سیستم نظارت قوی بر اجرای تصمیمات هیأت‌های رسیدگی بود به نحوی که طرفین را ملزم به اجرای مفاد تصمیمات متخذه نماید. مضافاً در صورت درخواست تجدیدنظر نسبت به تصمیم هیأت رسیدگی مرجعی وجود نداشت که موضوع به آن ارجاع گردد.

البته ایرادات دیگری نیز به نظام رسیدگی به اختلافات در گات سابق وارد شده که به علت جزئی بودن ضمن مقاله به آن اشاره خواهد شد.

---

۱۶. در این خصوص می‌توان برای مثال به سه مورد اشاره نمود: الف: وتو کردن گزارش هیأت رسیدگی توسط دولت امریکا در سال ۱۹۸۶ در خصوص تعریف صنعت. ب: وتو کردن گزارش هیأت رسیدگی توسط جامعه اروپا در سال ۱۹۹۳ در خصوص رژیم واردات موز. ج: وتو کردن گزارش هیأت رسیدگی توسط کانادا در خصوص اقداماتی که مؤثر بر فروش سکه‌های طلا بود.

## نظام حل و فصل اختلافات در مقررات جدید سازمان تجارت جهانی

### تاریخچه

از جمله موارد مطروحه در طول مذاکرات دوراروگوئه که در شهر Punta Del Este در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۶ آغاز شد، موضوع چگونگی رسیدگی به اختلافات حاصله در بین اعضای گات بود. در ژانویه همان سال طرفهای مذاکره‌کننده، توافق نمودند که مذاکرات در قالب ۱۴ گروه و تحت نظارت گروه مذاکرات کالا<sup>۱۷</sup> انجام شود. این گروه موظف شد گزارش نهایی خود را به کمیته مرکزی مذاکرات تجاری<sup>۱۸</sup> ارائه کند. گروه مذاکرات کالا، ۱۴۰ طرح را بررسی و انتخاب کرد که از آن جمله طرح گروه مذاکرات تدوین مقررات حل و فصل اختلافات بود.<sup>۱۹</sup>

در طرح بدوی مذاکرات راجع به مقررات ناظر بر حل و فصل اختلافات تأکید شده بود که هدف از آن توسعه و تقویت اصول و رویه‌های مربوط به حل و فصل

---

17. The Group of Negotiation on Goods.

18. Central Trade Negotiating Group.

19. Negotiating Group on Dispute Settlement.



اختلاف می‌باشد.<sup>۲۰</sup> گروه فوق موظف بود با اخذ و بررسی نظرات اعضای شرکت‌کننده، مقررات و رویه‌های گذشته را مرور و نسبت به ارائه طرح‌های مقدماتی پیرامون موضوعات مذاکره شده، اقدام نماید، سرانجام نتایج مذاکرات مربوطه در طول هفت سال به‌عنوان مصوبه نهایی<sup>۲۱</sup> در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ پذیرفته و منتشر گردید که از آن‌جمله ضمایم مربوط به حل و فصل اختلافات بود. طرف‌های مذاکره‌کننده در یک تفاهم‌نامه<sup>۲۲</sup> جداگانه که ضمیمه مصوبه نهایی است این مقررات را پذیرفته‌اند که از اول ژانویه ۱۹۹۵ به‌آجرا در آمده است.<sup>۲۳</sup>

این تفاهم‌نامه، برخلاف نظام قبلی گات که تنها مواردی محدود را شامل می‌شد، موضوعات متعددی را بررسی و با تشکیل ارگان و نهادهای لازم و تفویض اختیارات کافی به آن مسیر رسیدگی به اختلافات را از ابتدا تا مراحل صدور حکم توسط مراجع ذیصلاح و اجرای آن و نیز حتی

---

20. Basic Instruments and selected Documents (BISD), 33 S, at Page 44.

21. The Final Act.

22. Understanding.

23. The Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes.

مجازات دولت و یا دول امتناع‌کننده از این تصمیمات را برشمرده است که ما به شرح آن خواهیم پرداخت.

## نظام جدید حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

### شمول مقررات جدید حل و فصل اختلافات

در ابتدای بحث، یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مقررات تفاهم‌نامه جدید ناظر بر کلیه اختلافات تجاری بین اعضای فعلی و یا آتی سازمان تجارت جهانی بوده و با توجه به حاکمیت آن، طرفهای مورد اختلاف ملزم به تبعیت و اجرای آن می‌باشند. مع‌ذک دو استثنای مهم بر این اصل وجود دارد که درخور توجه و دقت می‌باشد: اولاً این مقررات حاکم بر اختلافاتی است که پس از لازم‌الاجرا شدن تفاهم‌نامه (اول ژانویه ۱۹۹۵) حادث شود، لذا اختلافات حاصله قبل از این تاریخ، تابع مقررات قبلی می‌باشند.<sup>۲۴</sup>

---

۲۴. ماده ۳، بند ۱۱، مقررات حل و فصل جدید.

ثانياً به لحاظ تفاوت فاحش بين كشورهاي درحال توسعه و كشورهاي توسعه يافته از جهات اقتصادي و تجاري، اين حق و امتياز براي گروه اول در نظر گرفته شده كه در صورت منسوخ نشدن مقررات قبلي امكان اجراي آن مقررات سابق نيز مي توانند حاكم بر اختلافاتي كه يك طرف آن يك يا چند كشور درحال توسعه هستند،<sup>۲۵</sup> باشد.

#### **استفاده از مقررات و رويه هاي قبلي گات**

ذكر اين نكته لازم است كه علي رغم وجود مقررات و قوانين جديد، اصول و قواعد اساسي اوليه ناظر به حل اختلافات بين اعضا، عمدتاً از دو موافقتنامه اصلي گات سابق يعني ماده ۲۲ و ۲۳ سرچشمه گرفته است.<sup>۲۶</sup> مضافاً آنكه در صورت قابل اجرا بودن مقررات قبلي، اين قبيل مقررات مي توانند در مواقع خاص مورد استفاده قرار گرفته و به مرحله اجرا درآيند. موافقتنامه اصلي سازمان تجارت جهاني در ماده ۱۵ بند يك به اين نكته

---

۲۵. ماده ۳، بند ۱۲، مقررات حل و فصل جديد.

۲۶. ماده ۳، بند ۱، مقررات حل و فصل جديد.

به‌طورکلی اشاره نموده است.

### اهداف و اصول کلی نظام

اهداف نظام حل و فصل اختلافات در پیمان جدید به‌طورکلی در دو ماه از « تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات» ذکر شده است بند ۷ از ماده ۳ می‌گوید:

«... هدف نظام حل و فصل اختلاف، تضمین يك راه‌حل مثبت براي رفع اختلاف می‌باشد...».

بنابراین تدبیر و ارائه راه‌حل مثبت و نه منفي از طریق اجرای این تفاهم‌نامه به‌دست می‌آید. نکته جالب در این ماده، تأکید بر جنبه مثبت «راه‌حل» شده، که خود یکی از اصول مهم و پایه تفاهم‌نامه است. بدین‌معنا که صرف طرح اختلاف و برنده یا بازنده شدن يك یا چند عضو، هدف اصلی و غایی نمی‌باشد، بلکه باید راهی یافت شود که در جهت تحکیم مقررات و رویه‌های عملی نظام جدید قدم بردارد. به این مهم نه تنها در این ماده اشاره شده، بلکه در موارد دیگری در خود این تفاهم‌نامه نیز تذکر داده شده، مثلاً

هنگامی که بحث از مقابله به مثل و یا اخذ خسارت از دولت یا دول خاطی به میان می‌آید، اشاره می‌گردد که این دو عمل یک راه حل موقت بوده و نه هدف غایی از طرح اختلاف در مراجع ذیصلاح.<sup>۲۷</sup> علاوه بر بند ۷ این ماده ۳، در بند ۲ آن، نیز به نحوی دیگر به وظیفه و هدف کلی مرجع حل و فصل اشاره شد، و آن را ایجاد تضمین و آینده‌نگری همه‌جانبه برای نظام تجاری موجود می‌داند، ضمن آنکه حقوق و تعهدات اعضا بر اساس موافقتنامه‌های موجود، حمایت شده و تضمین می‌گردند.<sup>۲۸</sup>

نکته دیگر آنکه علی‌رغم وسعت و گستردگی مقررات جدید، مقررات و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز باید هنگام حل و فصل اختلافات و جستجوی طریق رفع آن مد نظر قرار گرفته و نباید خلاف موازنی و اصول حقوق بین‌الملل عرفی باشد. لذا یکی از وظایف مرجع حل اختلاف تعیین مرز بین مقررات سازمان تجارت جهانی از یک طرف و قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عرفی از طرف دیگر می‌باشد.<sup>۲۹</sup> در این زمینه

---

۲۷. ماده ۳، بندهای ۷ و ۱۰.

۲۸. ماده ۳، بند ۲.

۲۹. همان مدرک.

برخي نظر داده اند که نظام جديد حل اختلاف در سازمان تجارت جهاني حرکت تند و سريعي به سوي قبول نظرات اجباري و الزام آور مرجع حل اختلاف بوده و از آنچه مقررات سنتي و قديمي گات در نظر داشته، (مشورت و تبادل نظر براي حل اختلاف) فاصله گرفته است، چراکه طبق مقررات قبلي نظرات طرفهاي درگير بايد رعایت شود و نهايتاً تلاش ميشد تا از طريق سازش نسبت به حل اختلاف اقدام شود.

اگرچه مقررات جديد تا حدودي اجباري تلقي شده، ليکن بند ۲ از ماده ۳ تصريح ميکند که مرجع حل اختلاف نمي تواند حقي را باطل يا ق جديدي را براي طرفهاي عضو ايجاد نمايد. اگرچه به نظر ميرسد که اين قسمت از ماده با قسمت قبلي که حاكي از اجباري و قطعي بودن مقررات جديد است، تفاوت داشته و متعارض است ليکن ميتوان آن را اينگونه تفسير کرد که مرجع حل اختلاف ميتواند در جهت تبين مقررات كلي سازمان تجارت جهاني و مخصوصاً مقررات مندرج در تفاهم نامه با قواعد عرفي حقوق بين الملل قدم بردارد. اگرچه نمي تواند رويه اي تازه ابداع کرده و به کارگيرد.

## مراحل رسیدگی به اختلاف براساس نظام جدید مرجع حل اختلاف تشکیلات

برخلاف نظام قبلی گات که در آن مرجع ثابت و مشخصی برای رسیدگی به اختلافات بین اعضا پیش‌بینی نشده بود، در این تفاهم‌نامه مرجعی براساس بند ۳ از ماده ۴ از پیمان تجارت جهانی در نظر گرفته شده که عهده‌دار رسیدگی به اختلافات حاصله می‌باشد. مطابق ماده ۴ از پیمان سازمان تجارت جهانی دو مرجع و یا شورای عالی مسئول اداره آن می‌باشند. اول کنفرانس وزرا (Ministerial Conference)، که متشکل از نمایندگان تمام اعضا بوده و حداقل هر دو سال یکبار تشکیل می‌گردد و وظیفه آن اتخاذ تدابیر و تصمیم‌های لازم برای اداره سازمان تجارت جهانی می‌باشد. ۳۰ دومین مرجع، شورای عمومی (General Council) است که باز متشکل از نمایندگان تمام دول عضو بوده و در مواقع ضروری تشکیل جلسه می‌دهد. ۳۱ این شورا علاوه بر انجام وظایف مقرر در

---

۳۰. ماده ۴، بند ۱، از مقررات جدید.

۳۱. ماده ۴، بند ۲، از مقررات جدید.

موافقتنامه اصلي، به جاي کنفرانس وزرا  
نيز انجام وظيفه مي نمايد. علاوه بر آن سه  
شوراي ديگر تحت اداره اين شوراي عمومي  
مي باشند.<sup>۳۲</sup> از جمله وظيفه در نظر گرفته  
شده براي شوراي عمومي، انجام وظيفه و  
عمل به عنوان مرجع حل اختلاف مي باشد  
منتهي در مواردی که شورا در مقام مرجع  
حل اختلاف عمل مي کند مي تواند رياستي  
متفاوت از رياست شوراي عمومي داشته  
باشد.<sup>۳۳</sup> لازم به ذکر است که وظيفه شوراي  
عمومي که به عنوان مرجع حل و فصل اختلاف  
عمل مي کند در تفاهم نامه با جزئيات  
بيشتر ذکر شده است مثلاً بند ۱ ماده ۲  
اين تفاهم نامه به عنوان اولين وظيفه  
مرجع حل و فصل اختلاف مقرر مي دارد که: «  
اداره قواعد و رويه ها و نيز مشاوره در  
زمينه هاي مقررات راجع به حل و فصل  
اختلافات برعهده اين مرجع مي باشد».<sup>۳۴</sup>  
علاوه بر آن اين شورا اجازه دارد نسبت  
به تشکيل هيأت رسيدگي (Panel)، قبول يا رد  
گزارش آن و نيز قبول يا رد گزارش مرجع  
تجدیدنظر (Appellate Body)، نظارت بر اجراي

۳۲. ماده ۴، بند ۲، از مقررات جديد.

۳۳. ماده ۴، بند ۳، از مقررات جديد.

۳۴. ماده ۲، بند ۱.



نظرات و تصمیمات متخذه و نیز تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه اصلی، اقدام لازم را به عمل آورد.<sup>۳۵</sup>

مرجع حل اختلاف برحسب ضرورت می‌تواند طبق زمان‌بندی موجود براساس مقررات مندرج در تفاهم‌نامه، تشکیل جلسه دهد.<sup>۳۶</sup> یادآور می‌گردد که چون مقررات راجع به هیأت رسیدگی و مرجع تجدیدنظر برای هر اختلاف متفاوت می‌باشد، لذا چگونگی تشکیل و اداره آن، ضمن بررسی سیر رسیدگی به اختلافات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است توضیح داده شود که بند ۴ از ماده ۲ از تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات مقرر می‌دارد: «در موردی که طبق مفاد این تفاهم‌نامه رکن حل اختلاف باید اتخاذ تصمیم کند، کلیه تصمیمات و نظریات براساس اتفاق‌آرا (Consensues) می‌باشد». این نکته در ماده ۹ از مقررات موافقتنامه اصلی نیز درج شده است. با توجه به سوابق امر، درج این شرط به‌عنوان یک

---

۳۵. همان مدرک.

۳۶. ماده ۲، بند ۳.

اقدام مهم و اساسي در جهت اجراي آرا و نظريات ركن حل اختلاف و جبران نقطه ضعفي است كه نظام قبلي حل و فصل اختلافات از آن رنج مي‌برد و دول توانمند تجاري تقريباً نوعي حق وتو براي خود قائل بودند. توضيحاً يادآوري مي‌گردد كه در طول مذاكرات دوراروگوئه و نيز پس از آن بين نويسندگان و صاحب‌نظران حقوق تجارت بين‌الملل در مورد مفهوم اتفاق آرا دو تفسير يا رويه مورد بحث بوده و گفته شده دو نوع اتفاق آرا وجود دارد: اتفاق آرا مثبت و اتفاق آراي منفي (Negative Consensus). در نوع اول چنانچه انجام دادن فعلي به رأي گذاشته شود، لازم است به اتفاق آرا نسبت به آن تصميم‌گيري شود. لذا براساس اين نظر مرجع حل اختلاف بايد براي انجام دادن و به عبارتي براي به اجرا درآمدن نظرات هيأت رسيدگي يا مرجع تجديدنظر به اتفاق آرا و به‌نحو مثبت به آن رأي دهد.

اما براساس تفسير دوم از مفهوم اتفاق آرا، چنانچه انجام ندادن امري و قبول نكردن نظري مطرح باشد، لازم است به اتفاق آرا در مورد منفي و ردّ آن

تصمیم‌گیری شود که این شیوه را اتفاق آرای منفی گویند. بنابراین تفسیر، چنانچه مثلاً يك نفر از اعضاي ركن حل اختلاف با اجراي تصميم مخالفت کند، رأی او به تنهایی نمی‌تواند مؤثر باشد، بلکه باید به اتفاق آرا به آن رأی منفی داده باشند تا مانع از اجراي تصميم شود.<sup>۳۷</sup> در این ارتباط اکثر نویسندگان معتقد هستند که هرکجا در موافقتنامه اصلی و یا در تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف ذکرى از اتفاق آرا شده، منظور اتفاق آرای منفی است، یعنی برای عدم انجام و عدم اجراي نظرات و تصمیمات ركن حل اختلاف لازم است اتفاق آرا وجود داشته باشد. بنا بر این نظر، بند ۴ از ماده ۲ تفاهم‌نامه و ماده ۶ از قانون تشکیل هیأت رسیدگی و نیز مواد ۱۶، ۱۷، ۲۱ و ۲۲ همگی ناظر و حاکی از لزوم اتفاق آرای منفی است، بدین معنا که تصمیمات و نظرات ركن حل اختلاف یا استیناف یا شورای عمومی سازمان تجارت جهانی به خودی خود تصویب شده محسوب می‌شوند، مگر آنکه به اتفاق

---

۳۷. رجوع نماید به: پاورقی ۶، صفحات ۳۹ و ۴۰.

آرا به آن رأی منفي داده شود.<sup>۳۸</sup> شایان ذکر است که در طول مذاکرات دور اروگوئه، امریکا از اصل اتفاق آرای منفي حمایت کرد، درحالی که اتحادیه اروپا (EU) و ژاپن موافق اصل اتفاق آرای مثبت بودند. گنجانیدن اصل اتفاق آرای منفي، به عنوان یکی از ابتداعات موافقتنامه جدید تلقی شده و از آن به عنوان ابزاری که در پیشرفت و سرعت کار مرجع حل اختلاف مؤثر می باشد، نام برده شده است. در نظام قبلی گات یک عضو (معمولاً عضو متخلف و ناقض مقررات) می توانست حتی با یک رأی مخالف خود، تصمیم هیأت رسیدگی را عملاً محدود و از اجرای آن جلوگیری کند، اکنون این مانع برطرف شده و توکوردن نظرات و تصمیمات مراجع تصمیم گیری در درون سازمان تجارت جهانی به وسیله یک یا چند عضو محدود اثری نخواهد داشت.

## مراحل رسیدگی به اختلاف

### اول: مشورت Consultation

در صورت بروز اختلاف بر سر اجرای

---

۳۸. رجوع نمایند به: پاورقی شماره ۶، صفحه ۴۰.

يکي از مواد موافقتنامه و يا اتخاذ تدابيروي به وسيله يك يا چند عضو که باعث ورود ضرر و زيان به عضو يا اعضاي ديگر ميشوند، دول ذينفع در اولين قدم بايد سعي نمايند که از طريق مشورت با عضو يا اعضاي مربوطه نسبت به رفع آن اقدام نمايند. مقررات سابق نيز از اعضا ميخواست که تمام تلاشهاي خود را جهت مشورت به عنوان اولين قدم در جهت حل مشکل به وجود آمده، به کار بندند.<sup>۳۹</sup>

در صورتي که مشورت دوطرفه به نتايج قابلقبولي نرسد، اين امر از سوي مرجع حل اختلاف و يا «شوراي تجارت خدمات» انجام خواهد پذيرفت (Council For Trade In Services) يعني طرف زيانديده در صورت عدم موفقيت در مشورت مستقيم با دولت طرف مقابل، ميتواند از يکي از دو مرجع فوق درخواست کند تا نسبت به موضوع مورد اختلاف با عضو مربوطه مشورت نموده و نتيجه را به دولت ذينفع ابلاغ نمايد. قسمت دوم اين مرحله از حل اختلاف در مقررات جديد اصلاح شده است.<sup>۴۰</sup> زيرا در

---

۳۹. ماده ۲۲، بند ۱.

۴۰. ماده ۲۲، بند ۲، از مقررات جديد.

مقررات قبلي انجام اين امر به عهده طرفه‌هاي قرارداد (Contracting Parties) گذاشته شده بود.<sup>۴۱</sup>

اصل مشورت به عنوان اولين اقدام در جهت رفع اختلافات موجود در تفاهم‌نامه جديد مجدداً ياد آوري شده و اعضا را متعهد بر اجراي آن دانسته است.<sup>۴۲</sup> علاوه بر اين يك برنامه زمان‌بندي شده براي درخواست مشورت و پاسخ به آن و نيز وظايف مرجع حل اختلاف در صورت غيرقابل قبول بودن نتايج مشورت تعيين گرديده است. بنابر بند ۳ از ماده ۴ تفاهم‌نامه چنانچه از سوي يك عضو درخواست مشورت شود، عضو مقابل بايد ظرف ده روز از تاريخ دريافت درخواست مشورت پاسخ داده و ظرف ۳۰ روز از تاريخ درخواست وارد مرحله مشورت گردد، مگر آنکه طرفين اختلاف، در مورد زمان‌بندي ديگري به توافق رسيده باشند. نکته‌اي که تذکر آن لازم است، اين است که از طرف مقابل خواسته شده با حسن نيت (Good Faith) وارد مرحله مشورت گردد، بدان معنا که با

---

۴۱. همان مدرک.

۴۲. ماده ۴، بندهاي ۱ و ۲، از تفاهم‌نامه.

هرگونه اختلاف باید با حسن‌نیت برخورد شده و با توجه به مقررات کلی مندرج در موافقتنامه حل و فصل گردد. صرف طرح اختلاف به خودی خود نباید منظور نظر طرفین باشد، کما اینکه در بعضی موارد تنها مقصود اقامه‌کننده دعوا چنین است. تمام درخواستهای مشورت باید به مرجع حل اختلاف و یا شوراها و کمیته‌های ذی‌ربط به صورت کتبی اطلاع داده شود، و در این درخواستها باید دلایل درخواست مشورت و اقدامات مورد نظر و نیز مستندات قانونی دولت ذی‌ربط (خواهان) ذکر شده باشد.<sup>۴۳</sup>

اعضای سازمان تجارت جهانی باید تمام تلاشهای خود را برای رسیدن به یک نتیجه قابل‌قبول و منطبق با شرایط اختلاف انجام دهند. در صورت عدم حصول چنین نتیجه‌ای، در مرحله بعدی عضو شاکی می‌تواند درخواست تشکیل هیأت رسیدگی Panel را بنماید.<sup>۴۴</sup> این امر در صورتی قابل‌اجرا می‌باشد که ۶۰ روز از درخواست مشورت گذشته باشد. البته اگر طرفین موافق

---

۴۳. ماده ۴، بند ۴، از تفاهم‌نامه.

۴۴. ماده ۴، بند ۳، از تفاهم‌نامه.

باشند ممکن است درخواست تشکیل هیأت رسیدگی در ظرف ۶۰ روز مذکور نیز انجام پذیرد.<sup>۴۵</sup> چنین درخواستی علاوه بر مورد فوق نیز، ممکن است تحقق یابد و آن در صورتی است که طرف مقابل (خواننده) ظرف ده روز مذکور در بند ۳ پاسخی ندادده و یا ظرف ۳۰ روز وارد مشورت نشده باشد. لازم به تذکر است که مدتهای مذکور، در صورت وجود هرگونه اضطرار مثلاً در خصوص کالاهای فاسد شدنی تقلیل می‌یابند. بنابر بندهای ۸ و ۹ از ماه ۴ تفاهم‌نامه حل اختلاف، در این‌گونه موارد طرف مقابل باید ظرف ده روز وارد مذاکره شود و عضو شاکی در صورت عدم موفقیت مشورت در ظرف ۲۰ روز می‌تواند درخواست تشکیل هیأت را بنماید؛ هیأت‌های رسیدگی و یا تجدیدنظر نیز باید در اسرع وقت نسبت به رسیدگی اختلاف مورد بحث اقدام نمایند.

قبل از ورود به بحث پیرامون سایر مراحل رسیدگی به اختلاف، لازم است نکته‌ای در اینجا روشن گردد. به‌طورکلی این سؤال مطرح شده که آیا برای توسل به سایر مراحل رسیدگی پس از مرحله مشورت، مانند

---

۴۵. ماده ۴، بند ۷، از تفاهم‌نامه.



مصالحه و یا تشکیل هیأت، لازم است که حتماً مرحله مشورت انجام پذیرد و در صورت عدم موفقیت به مراحل بعدی توسل جست؟ و یا اینکه این مرحله لزوماً نباید پیگیری شده باشد و بدون آن نیز ورود به مراحل بعدی نیز امکان پذیر است؟ به عبارت دیگر آیا گذر از مرحله مشورت، شرط لازم برای توسل به مراحل بعدی است یا خیر؟ در این خصوص مقررات سابق و حتی مقررات جدید ساکت است. برخی نویسندگان با استناد به بندهای ۳ و ۷ از ماده ۴ تفاهم نامه که در آن تشکیل هیأت رسیدگی در صورت عدم پاسخ و یا عدم اقدام از سوی عضو خوانده پیش بینی شده، اظهار داشته اند که این امر امکان پذیر می باشد، یعنی بدون توسل به مرحله اول می توان وارد سایر مراحل گردید.<sup>۴۶</sup> این تفسیر به دو دلیل صحیح به نظر نمی رسد: اول آنکه آنچه در مقررات تفاهم نامه به عنوان استدلال برای عدم نیاز به مشورت در صورت درخواست تشکیل هیأت آمده است، بدون مقدمه و ابتدا به ساکن نبوده است. مواد مذکور توسل به تشکیل هیأت را تنها زمانی میسر دانسته

---

۴۶. رجوع نمایید به: پاورقی شماره ۶، ص ۴۴.

که یا عضو خوانده در ظرف مدت مقرر و یا توافق شده پاسخ ندهد و یا از شرکت در مشورت امتناع ورزد و یا آنکه مرحله مشورت به نتایج قابلقبولی نرسد. با این توصیف چنین به نظر می‌رسد که طی مرحله مشورت به‌عنوان اولین مرحله از روند حل اختلاف ضروری بوده و ابتدا به ساکن نمی‌تواند نادیده انگاشته شود مگر در موارد مذکور در مقررات مربوطه.

دومین دلیل بر رد تفسیر فوق آن است که عموم مقررات سابق و نیز مقررات لاحق در تفاهم‌نامه جدید تأکید بر حل اختلاف با حسن‌نیت دارند، مضافاً آنکه توسل به مراحل حل اختلاف را به‌عنوان هدف غایی طرفین رد کرده، بلکه بر اجرای مقررات و تأمین مفاد موافقتنامه تأکید ورزیده است. در این صورت مشکل به‌نظر می‌رسد که عضوی بدون توسل به مرحله اول یعنی مشورت، تشکیل هیأت را درخواست کند و همچنان عضو دارای حسن‌نیت محسوب شود. نتیجه بحث آنکه به‌نظر می‌رسد ورود به مراحل رسیدگی پس از مشورت، بدون توسل به مرحله اول نه تنها از نظر مقررات ایراد داشته، بلکه با روح مقررات و

مفاد و مفهوم آن نیز در تضاد می‌باشد. بدین‌خاطر با بررسی بند ۳ ماده ۵ تفاهم‌نامه نیز که راجع به مصالحه و داوری بوده و توسل به آن را در هر زمانی میسر می‌داند، روشن می‌گردد که برای تقاضای تشکیل هیأت محدودیت قائل شده و توسل به این دو مرحله را منوط به عدم موفقیت دو مرحله قبل می‌داند یا آنکه طرفین به این عدم موفقیت تصریح کرده باشند.<sup>۴۷</sup>

آخرین نکته مربوط به این مرحله، شرکت عضو ثالث در مراحل مشورت می‌باشد. آیا عضو ثالث که در اختلاف اصلی شرکت نداشته می‌تواند در مراحل مشورت شرکت کند؟ بند ۱۱ از ماده ۴ چنین مقرر می‌دارد که:

«در صورتی که عضو ثالثی احساس کند نفعی در اختلافات بین دو عضو دیگر دارد، می‌تواند در مشورت شرکت کند، مشروط بر آنکه اولاً، ظرف ده روز از تاریخ گردش درخواست مشورت اصلی در بین اعضا، قصد خود را به طرفین و نیز به مرجع حل اختلاف اعلام دارد و ثانیاً، طرفین اصلی

---

۴۷. ماده ۵، بندهای ۳ و ۴.

اختلاف قبول نمایند که واقعاً يك منفعت اساسي از عضو ثالث در میان می‌باشد. در صورت عدم توافق طرفهای اصلی اختلاف مبنی بر ورود دولت ثالث، دولت مزبور می‌تواند بر اساس مراحل رسیدگی به اختلاف و به‌عنوان موضوعی جدید درخواست مشورت نماید».<sup>۴۸</sup>

### مساعي جميله *Good Offices* <sup>۴۹</sup> سازش *Conciliation* <sup>۵۰</sup> میانجیگری رسمي *Mediation* <sup>۵۱</sup>

۴۸. ماده ۴، بند ۱۱.

۴۹. مساعي جميله (*Good Offices*) این واژه زمانی به‌کار می‌رود که يك یا چند دولت عضو يك سازمان بین‌المللی تعیین می‌گردند تا طرفهای درگیر اختلاف را تشویق به مذاکره نموده و یا راههای دیگری را جهت حل و فصل اختلاف، پیدا نمایند. مساعي جميله ممکن است از سوی يك دولت و یا سازمان بین‌المللی پیشنهاد گردد و یا اینکه يك یا هر دو طرف درگیر تقاضای انجام آن را بنمایند.

۵۰. سازش (*Conciliation*) این نوع راه‌حل، بیشتر جنبه رسمي داشته و معمولاً بر اساس تشکیل يك نهاد قانونی و رسمي مانند کمیسیون سازش استوار می‌باشد، اعضای مرجع سازش به‌عنوان افرادی مستقل از دول خود نظر می‌دهند و باید سعی کنند که تمام مدارک، شواهد و قرائین موجود را جمع‌آوری کنند، قرائینی که منجر به صدور و اعلام نظریه حقوقی ولی غیرالزام‌آور می‌گردد.

۵۱. میانجیگری (*Mediation*) در این نوع راه‌حل دیپلماتیک، اگرچه اصول کلی همانند مساعي جميله است لیکن دولت ثالث که به‌عنوان میانجی عمل می‌کند، وظیفه انتقال و نیز تغییر پیشنهادات طرفین را نیز دارد و همچنین می‌تواند نظرات و پیشنهادات خود را که بر اساس اطلاعات داده شده از سوی طرفین درگیر استوار می‌باشد، ارائه دهد.

سه راه حل فوق که هنوز در مرحله بدوی حل و فصل اختلافات قرار دارند به عنوان اقداماتی دیپلماتیک و بیشتر در جهت حل و فصل اختلاف بر مبنای پایه های سیاسی است تا مبانی و اصول حقوقی. این سه روش معمولاً در سایر اختلافات بین دول نیز در جامعه بین المللی به کار گرفته می شود.

به هر حال، این سه روش اگرچه در مقررات اصلی گات سابق مورد اشاره قرار نگرفته بود، لیکن در تفاهم نامه سال ۱۹۷۹ و نیز در تصمیم وزرای سال ۱۹۸۹، به عنوان اولین راه های حل اختلاف موجود، به اعضای گات ارائه و توصیه شده بود.<sup>۵۲</sup> در مقررات جدید، این روشها به عنوان راه های داوطلبانه حل اختلافات که با موافقت طرفهای درگیر قابل استفاده می باشد، درج شده است.<sup>۵۳</sup> برخلاف مشورت که

---

میانگیری باید با رضایت طرفین انجام پذیرد و پیشنهادات آن جنبه الزام قانونی برای طرفین ندارد. مع ذلك اساس نظرات، پیشنهادات و تصمیمات صادره، نه تنها می تواند مقررات قانونی موجود باشد، بلکه ممکن است مبتنی بر نظرات کدخدانسانه نیز باشد.

۵۲. بند ۸، از تفاهم نامه در سال ۱۹۷۹، بند D از تصمیم ۱۹۸۹.

۵۳. ماده ۵.

به عنوان يك اقدام بدوي دول عضو ملزم به انجام آن مي‌باشند، اين سه روش درصورتی قابل اجرا خواهد بود که طرفین اختلاف بر آن توافق کرده باشند. به عبارت دیگر نمی‌توان این مراحل را به عنوان مرا حل الزامی حل اختلاف تلقی کرد، هرچند که مقررات جدید آن را توصیه کرده و حتی نحوه اجرای آن را نیز تعیین کرده‌اند. شاید به دلیل اختیاری بودن به کارگیری این روشها است که مقررات تفاهم‌نامه، اجرا و یا توقف اجرای آنها را تقریباً در هر زمان ممکن دانسته است.<sup>۴</sup>

نکته دیگری که در اینجا باید به آن اشاره گردد، تفاوت مفاهیم این واژه‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی با مقررات سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

درحالی‌که در حقوق بین‌الملل عمومی این ابزارها به عنوان روشهای غیررسمی در جهت حل و فصل اختلافات بین دول به کار گرفته می‌شود، در سازمان تجارت جهانی، می‌تواند در صورت به کارگیری آن از سوی طرفهای درگیر، زیربنای تصمیمات متخذه از سوی مرجع حل اختلاف نیز باشد، که بر

---

۵۴. ماده ۵، بندهای ۳ و ۴.

آن اساس هیأت رسیدگی می‌تواند اختلافات را بررسی و اعلام نظر نماید. این نظرات، همان‌گونه که بعداً توضیح داده می‌شود، در صورت دارا بودن شرایط لازم و قبول از سوی مرجع حل اختلاف قابل اجرا خواهند بود.<sup>۵۵</sup>

در مقررات سابق توسط به هیأت رسیدگی بدون به‌کارگیری این سه روش امکان‌پذیر نبود، لیکن در مقررات جدید، قانونگذار اهمیت بیشتری به حل اختلاف یا جلب نظر طرفین ذی‌ربط داده تا رسیدگی از سوی مراجع رسیدگی‌کننده به اختلافات. بدین دلیل، زمان خاصی برای به‌کارگیری این روشها در نظر گرفته نشده است. بنا بر بند ۳ از ماده ۵، طرفین اختلاف می‌توانند در هر زمان، به‌کارگیری این سه روش را تقاضا کرده و یا درخواست توقف کار آنها را بنمایند. مع ذلك این تقاضاها باید ظرف ۶۰ روز از تاریخ تقاضای مشورت انجام پذیرد و هرگونه تقاضای تشکیل هیأت رسیدگی باید پس از انقضای ۶۰ روز از تاریخ تقاضای مشورت باشد. با این حال اگر طرفین ذی‌ربط تشخیص

---

۵۵. رجوع نمایید به: پاورقی شماره ۶؛ ص ۴۷.

دهند که به‌کارگیری روشهای فوق در مدت ۶۰ روز تعیین شده کارگر نیفتاده و موفق نبوده است، مشترکاً می‌توانند تقاضای تشکیل هیأت را بنمایند.<sup>۵۶</sup>

نکته جالب توجه دیگر در این رابطه آن است که به‌کارگیری مصالحه، مساعی جمیله و میانجیگری نه تنها قبل از تشکیل هیأت رسیدگی امکان‌پذیر می‌باشد، بلکه در طول کار هیأت نیز انجام آن میسر بوده و این نشان‌دهنده تمایل قانونگذار به حل و فصل اختلافات براساس توافق طرفین و از طریق داوری می‌باشد تا براساس نظرات و تصمیمات یک مرجع حقوقی و رسمی.<sup>۵۷</sup>

معمولاً در به‌کارگیری روشهای فوق در حقوق بین‌الملل عمومی داور یا حکم با توافق طرفین اختلاف تعیین می‌گردد. تعیین داور در مقررات جدید گات بدین‌صورت پیش‌بینی شده که براساس بند ۶ ماده ۵، مدیرکل مرجع حل اختلاف به اعتبار سمت خود و نه به اعتبار شخص خود، می‌تواند پیشنهاد مساعی جمیله، سازش و یا

---

۵۶. ماده ۵، بند آخر.

۵۷. ماده ۵، بند ۵.



میانجیگری رسمی بدهد.

### هیأت رسیدگی Panel

در صورت عدم موفقیت راه‌های قبلی (مشورت و ...) و یا در صورت عدم ارائه پاسخ لازم از سوی عضو خواننده در ظرف مدت‌های مقرر در تفاهم‌نامه، دولت خواهان می‌تواند تقاضای تشکیل هیأت رسیدگی را بنماید و مرجع حل اختلاف در اولین جلسه خود تشکیل یا عدم تشکیل هیأت را تصویب می‌کند.<sup>۵۸</sup>

لازم به تذکر است که عدم تشکیل هیأت در صورتی تصویب می‌شود که اعضای مرجع حل اختلاف به اتفاق آراء عدم تشکیل آن را تصویب کنند و این از موارد اتفاق آرای منفی می‌باشد که ما قبلاً در مورد آن بحث کردیم.

### اعضای هیأت رسیدگی و نحوه انتصاب آنان

اعضای هیأت رسیدگی پس از نامزد شدن از سوی دبیرخانه به طرفین اختلاف معرفی می‌گردند که البته نباید بدون دلیل روشن

---

۵۸. ماده ۶، بند ۱.

مورد اعتراض واقع شوند.<sup>۵۹</sup> این اعضا که معمولاً سه نفر هستند،<sup>۶۰</sup> از بین افراد دولتی و یا خصوصی دول عضو انتخاب می‌گردند،<sup>۶۱</sup> و باید دارای تجربه و تخصص در حقوق تجارت بین‌الملل بوده و یا فعالیت در امور تجاری بین‌المللی داشته باشند. مثلاً نمایندگان قبلی دول عضو گات و یا اساتید و نویسندگان حقوق تجارت بین‌الملل از جمله افرادی هستند که می‌توانند انتخاب گردند.<sup>۶۲</sup> مع ذلك این افراد نباید تابعیت دولتهای طرف اختلاف را داشته باشند.<sup>۶۳</sup> در اینجا این سؤال ممکن است به ذهن برسد که مثلاً در اختلافی که بین يك اتحادیه گمرکی (Customs Union) و یا بازار مشترك (Common Market) و دول دیگر روی داده، عضو هیأت رسیدگی چگونه انتخاب می‌گردد؟ آیا میزان در بی‌طرفی، عدم تابعیت دولت درگیر اختلاف است؟ نظر

---

۵۹. ماده ۸، بند ۶.

۶۰. ماده ۸، بند ۵. تذکر این نکته لازم است که طبق مقررات سابق، تعداد این اعضا ۵ نفر بود، ولی در مقررات جدید به سه نفر تقلیل یافته تا سرعت بیشتری در تصمیم‌گیریها وجود داشته باشد.

۶۱. ماده ۸، بند ۱.

۶۲. همان مدرک.

۶۳. ماده ۸، بند ۳.

به اینکه این‌گونه اتحایه‌ها و یا جوامع اقتصادی به‌عنوان يك عضو و احـد شناخته می‌شوند، قانونگذار اعلام داشته است که در صورت ذی‌نفع بودن اتحادیه مزبور، داور و یا اعضای هیأت رسیدگی نمی‌توانند از ملیتهای آن اتحادیه انتخاب گردند. بند ۳ از ماده ۸، تفاهم‌نامه حل اختلاف صراحتاً انتصاب چنین افرادی را ممنوع نموده است. لکن در مورد این سؤال که آیا انتخاب اعضا از افراد يك منطقه تجاری آزاد (Free Trade Area) امکان‌پذیر می‌باشد یا خیر برخی نویسندگان ظاهراً به‌علت آن که منطقه تجاری آزاد به‌مثابه يك واحد مستقل شناخته نمی‌شود، آن را بلاشکال دانسته‌اند<sup>۶۴</sup> و قانونگذار نیز صراحتاً آن را منع نکرده است. ولی به‌نظر می‌رسد که بی‌طرفی داور و یا اعضای هیأت رسیدگی در صورت ذی‌نفع بودن دول عضو پیمان مزبور خالی از اشکال نباشد. به‌طورکلی اگرچه منطقه تجاری آزاد، استقلال و همبستگی موجود در اتحادیه گمرکی (Customs Union) را ندارد، لیکن به‌عنوان مجموعه‌ای واحد با اهداف تجاری واحد عمل می‌کند و لذا

---

۶۴. رجوع نماید به: پاورقی شماره ۶، ص ۵۰.

عضویت افراد از ملیتهای چنین مناطقی در صورت دخیل بودن در اختلاف، به بیطرفی آنان لطمه میزند. و در این قبیل موارد نیز عضو رسیدگی علیالقاعده نباید تابعیت کشورهای عضو منطقه آزاد تجاری را داشته باشد.

تعداد اعضای هیأت اگرچه سه نفر تعیین شده، لیکن در صورت نیاز، طرفین اختلاف میتوانند بر یک هیأت ۵ نفری توافق نمایند که البته باید ظرف ده روز از تشکیل هیأت این توافق حاصل گردد.<sup>۶۵</sup> عضویت اعضای هیأت رسیدگی نیز پس از گذشته ده روز از انتصاب و فقدان هرگونه اعتراضی از سوی طرفین اختلاف قطعی میگردد. در صورت عدم توافق، باید اعضای جدید ظرف ۲۰ روز معرفی گردند. در غی این صورت، مدیرکل مربوطه و یا رئیس مرجع حل اختلاف ضمن مشورت با دول ذیربط، اعضای صلاحیتدار را منصوب و نتیجه را به طرفین ابلاغ میکند.<sup>۶۶</sup> نکته آخر در نصب اعضای هیأت رسیدگی که به نظر امری جدید می‌رسد، این است که در صورت درگیر بودن

---

۶۵. ماده ۸، بند ۵.

۶۶. ماده ۸، بند ۷.

يکي از کشورهاي درحال توسعه در اختلاف، لازم است که در صورت درخواست دولت مزبور، یکی از اعضاي این هیأت از کشورهای درحال توسعه انتخاب گردد.<sup>۶۷</sup>

چنانچه اختلاف یا اختلافاتی بین چنین عضو به طور مشابه وجود داشته باشد، تفاهم نامه پیشبینی کرده که تمام آن اختلافات به وسیله یک هیأت رسیدگی بررسی شود، به شرط آنکه حقوق و منافع تمام دول درگیر مدنظر قرار گیرد.<sup>۶۸</sup> مع ذلک تشکیل هیأت واحد در موضوع فوق‌الذکر الزامی نبوده و تشکیل دو یا چند هیأت امکان‌پذیر می‌باشد، اگرچه اعضاي آن حتی‌المقدور اعضاي واحدی خواهند بود.<sup>۶۹</sup>

### ورود دول ثالث

همانند مرحله مشورت که دولت یا دول ثالث حق شرکت در مراحل رسیدگی را داشتند، در مرحله تشکیل هیأت رسیدگی نیز چنانچه دولتی احساس کند که منافعش در میان است می‌تواند در مراحل رسیدگی

---

۶۷. ماده ۸، بند .

۶۸. ماده ۹، بند ۱۱.

۶۹. ماده ۹، بند ۳.

هیأت مزبور شرکت نماید. ۷۰

### وظایف و اختیارات هیأت رسیدگی

وظایف و اختیارات اصلی هیأت رسیدگی، توسط تفاهم‌نامه به تفصیل بیان شده تا هرگونه ابهام در این رابطه برطرف گردد. به‌طور خلاصه می‌توان این وظایف را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

– ارزیابی موضوعی (ماهیتی) اختلاف مطرح شده، که شامل بررسی وقایع و نیز بررسی حاکمیت مقررات مربوط در موافقتنامه اصلی گات می‌شود.

– مشورت دائمی با طرفین اختلاف و کمک به بهبود راه‌حلهای مورد قبول طرفین. بر این اساس هیأت رسیدگی با ارائه گزارش و نظریات خود به مرجع حل اختلاف، نقش همکار و معاون آن را داشته که در رسیدن به یک راه‌حل قابل قبول و منطبق با مقررات موافقتنامه آن را یاری می‌کند.<sup>۷۱</sup>

پس از تشکیل هیأت و برای بررسی اختلاف در جهت رسیدن به راه‌حل قابل‌قبول،

---

۷۰. ماده ۱۰.

۷۱. مواد ۷ و ۱۱ تفاهم‌نامه.

این مرجع می‌تواند هرگونه اطلاعاتی را از دول درگیر اختلاف و یا اعضای ذی‌ربط گات درخواست کند و یا مشورتهای لازم را با آنان و یا با افراد خصوصی (غیردولتی) به عمل آورد. اعضای گات نیز ملزم هستند همه‌گونه همکاری لازم را مبذول دارند.<sup>۷۲</sup> البته در صورت محرمانه بودن اطلاعات ارائه شده، نشر آن ممنوع است مگر با اجازه دول ذی‌ربط، مع ذلك هیأت خود می‌تواند در صورت نیاز از کارشناسان دول عضو و یا غیرعضو استفاده نماید و در صورت عدم عضویت دولت مربوطه، گروه کارشناسی باید تابع شرایط مندرج در ضمیمه شماره ۴ تفاهم‌نامه نیز باشند. شرایط مذکور که با اصرار دولت امریکا در تفاهم‌نامه گنجانیده شده، به‌طورکلی عبارت است از:

- گروه کارشناسی باید تحت نظارت و سرپرستی هیأت کار نماید.
- گزارش نهایی آن به هیأت تنها جنبه مشورتی داشته و لازم‌الاجرا نبوده و نظر نهایی را هیأت ارائه می‌کند.
- اعضا باید حتماً کارشناس در موضوع

---

۷۲. ماده ۱۳.

مورد اختلاف بوده و نباید از اعضای دول دیگر و یا شهروندان آن باشند.

### روند رسیدگی در هیأت (Working Procedures) زمان

از جمله ویژگی‌های تفاهم‌نامه و مقررات جدید گات آن است که تمام سیر رسیدگی به اختلافات دارای برنامه زمان‌بندی شده می‌باشد. بدین ترتیب مراجع رسیدگی و یا دول ذی‌ربط حق دارند تا پس از سپری شدن مدتی معین، در صورت عدم اخذ نتایج قابل قبول، به مراحل بعدی متوسل گردند. این امر در مقررات گات سابق وجود نداشت و لذا بسیاری از اختلافات مطرح شده پس از گذشت زمان نسبتاً طولانی، به دست فراموشی سپرده می‌شد و یا به لحاظ انتفای موضوع، قابلیت بررسی خود را از دست می‌داد.

بر اساس مقررات جدید، هیأت رسیدگی موظف است نسبت به انجام وظایف خود در موعد مقرر در تفاهم‌نامه اقدام نماید. مثلاً باید در اولین قدم، ظرف یک هفته پس از تشکیل، برنامه رسیدگی را تعیین کند که پس از بررسی، این مدت نباید از



تاریخ تشکیل هیأت تا صدور گزارش و نظریه نهایی در حالت عادی بیش از ۶ ماه و در حالت فوق‌العاده بیش از سه ماه طول بکشد. در صورت عدم امکان اجرای بند مذکور باید مراتب کتیباً و مستدلاً به مرجع حل اختلاف گزارش شود، که البته حداکثر زمان در نظر گرفته شده در این صورت نیز ۹ ماه از تاریخ تشکیل هیأت می‌باشد.<sup>۷۳</sup> چنانچه هیأت رسیدگی با درخواست طرفین اختلاف به حالت تعلیق درآید مدت رسیدگی می‌تواند به (۱۲ ماه) نیز برسد ولی بیش از آن امکان‌پذیر نبوده و باید پس از یک سال هیأت جدیدی تشکیل گردد. لازم به ذکر است که اگر دولت در حال توسعه طرف اختلاف باشد، برنامه زمان‌بندی شده فوق می‌تواند اجرا نشده و فرصت کافی به کشور مزبور جهت ارائه نظریات<sup>۷۴</sup> داده شود.

#### **بررسی مقدماتی (موقت) (Interim Review Stage)**

پس از بررسی اظهارات و بحث‌های طرفین اختلاف، پیش‌نویس گزارش هیأت که شامل تشریح وقایع و بحث‌های طرفین

---

۷۳. ماده ۱۲.

۷۴. ماده ۱۲، بند ۱۰.

می‌باشد، توسط هیأت به طرفین اختلاف ارائه می‌گردد و آنان موظف هستند ظرف مدت معینی چنانچه نظری نسبت به آن دارند، کتباً به هیأت ارسال دارند؛ مدت مذکور توسط هیأت تعیین می‌گردد.<sup>۷۵</sup> پس از انقضای مدت فوق‌الذکر، هیأت گزارش موقت خود را که شامل تشریح وقایع، یافته‌ها و نتیجه‌گیری آن از موضوع مطروحه می‌باشد، صادر می‌نماید. مجدداً زمانی توسط هیأت تعیین می‌گردد تا چنانچه طرفین اظهارنظری دارند و یا نسبت به بخش خاصی از گزارش اعتراضی دارند، آن را مطرح و یا تقاضای تشکیل یک جلسه هیأت را بنمایند.<sup>۷۶</sup> در صورت وصول نظرات طرفین در ظرف مدت مقرر، هیأت باید ظرف دو هفته اقدام به تشکیل جلسه دیگری کند و پس از تجدیدنظر در گزارش موقت و اظهارات وارده، گزارش نهایی خود را ظرف دو هفته به طرفین و ظرف سه هفته برای سایر اعضای گات ارسال دارد. این گزارش در صورت عدم اعتراض به خودی خود گزارش نهایی تلقی می‌گردد.

---

۷۵. ماده ۱۵، بند ۱.

۷۶. ماده ۱۵، بند ۲.

لازم به تذکر است که جلسات هیأت محرمانه بوده و اسناد و مدارک آن نیز محرمانه تلقی می‌شود، ولی می‌توانند در شرایط خاصی در اختیار عموم قرار گیرند.<sup>۷۷</sup> اطلاعات ارائه شده از سوی طرفین اختلاف، می‌تواند از طرف خود آن در اختیار عموم قرار گیرند. همچنین نشر خلاصه گزارش کار هیأت نیز برای عموم بلاشکال می‌باشد.

پس از سپری شدن مهلت‌های فوق، گزارش نهایی هیأت در مرجع حل اختلاف بررسی و نسبت به آن رأی‌گیری می‌شود. مع ذلك فاصله زمان ارسال گزارش به طرفین در زمان بررسی آن در مرجع حل اختلاف نباید کمتر از ۲۰ روز باشد. این مدت قبلاً ۳۰ روز بود که جهت تسریع در کار به ۲۰ روز تقلیل یافت. در این مرحله نیز چنانچه طرفین نسبت به گزارش اعتراضی داشته باشند باید ده روز قبل از تشکیل جلسه مرجع حل اختلاف، آن را اعلام نمایند.<sup>۷۸</sup> برخلاف هیأت رسیدگی که گزارش نهایی

---

۷۷. ماده ۱۴، از تفاهم‌نامه و بندهای ۲ و ۳، از ضمیمه شماره ۳.  
۷۸. ماده ۱۶.

آن بدون حضور طرفین صادر می‌شود،<sup>۷۹</sup> در جلسه مرجع حل اختلاف، طرفین می‌توانند شرکت کرده و نظرات خود را ابراز دارند که این نظرات در گزارش مرجع نیز ثبت می‌گردد. مرجع حل اختلاف باید ظرف ۶۰ روز پس از گردش گزارش نهایی بین اعضا، اقدام به تشکیل جلسه نماید و نظر خود را نسبت به پذیرش و یا عدم پذیرش آن اعلام دارد.<sup>۸۰</sup> در صورت درخواست تجدیدنظر از سوی طرفین نسبت به گزارش، هیأت مرجع حل اختلاف نباید آن را بپذیرد، چون این امر تنها پس از اعلام نظر مرجع تجدیدنظر امکان‌پذیر خواهد بود.

### نظرات هیأت‌های رسیدگی و تجدیدنظر

اگرچه گفته شده که گات تعریف خاصی از اختلاف به‌عمل نیاورده و به‌طورکلی تخلف را تعریف نکرده، لیکن در تقسیم‌بندی علل اختلاف مقررات سابق و لاحق اتفاق نظر دارند و به‌طورکلی تخلفاتی را که موجب بروز اختلافات بین دول عضو می‌گردند، به دو بخش کلی تقسیم کرده‌اند.

---

۷۹. ماده ۱۴، بند ۳.

۸۰. ماده ۲۰.

تفكيك در انواع تخلف كه منجر به بروز اختلاف مي‌شود، در مواد ۲۲ و ۲۳ گات سابق نيز آمده بود و در مقررات جديد ابقاء شده عبارت است از:

«تخلف همراه نقض» (تمردی) (Violation (Infringement، زماني صورت مي‌پذيرد كه به علت عدم رعايت و تخلف از مقررات اصلي گات خسارت و يا ضرري به دولت و يا دول ديگر وارد آيد، مثلاً عدم اجراي مقررات مربوط به معافيت گمركي يك كالاي خاص توسط يك يا چند دولت عضو.

– «تخلف بدون نقض» (غيرتمردی) (Non-Violation Infringement، اين نوع تخلف و اختلاف ناشي از آن مستقيماً به علت عدم اجراي مقررات گات نمي‌باشد، ليكن به علت اتخاذ تدابير ديگري بوده است كه علي‌رغم عدم مغايرت مستقيم با مقررات گات، به طور غيرمستقيم حق و يا منافع دول ديگر را در معرض خطر قرار مي‌دهد. به اين نوع تخلف يا نقض غيرتمردی نيز اطلاق مي‌گردد. با توجه به تقسيم‌بندي فوق در مقررات گات، تفاهم‌نامه مربوطه نيز نسبت به نظرات هيأتهاي رسيدگي و تجديدنظر تفكيك قائل شده است، بنا بر ماده ۱۹ چنانچه

نگرشي بر ساختار... ❖ ۱۷۷

هیأت در مدت رسیدگی به اختلاف با موردی برخوردار نماید که نقض مستقیم مقررات گات باشد، باید از عضو متخلف بخواهد نسبت به اجرای مقررات مزبور اقدام لازم را مبذول دارد و در صورت وجود مشکلی از سوی دولت مزبور، هیأت می‌تواند راه‌حل اجرای آن را نیز ارائه کند.<sup>۸۱</sup>

اما، برخوردار قانونگذار با تخلفات نوع دوم، یعنی تخلفات بدون نقض مقررات، تا حدودی سبک‌تر و خفیف‌تر می‌باشد. هیأت‌های رسیدگی و تجدیدنظر در صورت برخوردار با این‌گونه تخلفات که ناشی از نقض و یا عدم اجرای مستقیم مقررات گات نمی‌باشند، تنها می‌توانند راه‌حل مورد قبول طرفین را پیشنهاد کنند،<sup>۸۲</sup> که البته آن هم پس از بررسی همه‌جانبه شرایط دول مزبور می‌باشد.

شرایط بررسی «تخلفات بدون نقض مقررات» به‌طور کلی به شرح زیر می‌باشد.  
- عضو شاکی باید دلایل قانع‌کننده خود را دال بر ورود ضرر و یا خسارت توسط عضو دیگر ارائه نماید.

---

۸۱. ماده ۱۹، بند ۱.

۸۲. ماده ۲۶.

– در صورت ورود خسارت و یا ضرر به اعضای دیگر، باید يك راه حل قابل قبول برای طرفین ارائه گردد.<sup>۸۳</sup>

نکته بسیار مهم و ظریفی که درباره نظرات و پیشنهادات هیأت‌های رسیدگی و تجدیدنظر ذکر شده، آن است که این نظرات و آرا تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند حق یا تعهدی را برای دول عضو بیش از آنچه که در مقررات اصلی گات ذکر شده ایجاد و یا آن را از بین ببرند.<sup>۸۴</sup> اهمیت این نکته در اینجا است که معمولاً اساس آراء دیوانها و دادگاههای بین‌المللی بر حقوق عرفی (Common Law) و نیز رویه قضائی (Case Law) می‌باشد. بدین معنا که آراء و تصمیمات می‌تواند در پرونده‌های دیگر بنا بر تفسیر و برداشت مرجع قضائی مربوطه تغییر یابد، این شیوه در نظام حل و فصل اختلافات گات مورد قبول واقع نشده، بلکه مراجع رسیدگی گات ملزم هستند بر اساس مقررات گات اقدام به صدور نظریه نمایند، هرچند که نظام اصلی گات خود مبتنی بر قواعد عرفی حقوق بین‌الملل

---

۸۳. ماده ۲۶، بند ۱، بخش‌های (الف) و (ب).

۸۴. ماده ۱۹، بند ۲؛ ماده ۳، بند ۲.

عمومي است. ۸۰

### مرجع تجدیدنظر (Appellate Body)

يکي از ابداعات نظام جديد گات در رسيدگي به اختلافات بين دول، قبول تجديدنظرخواهي نسبت به نظرات هيأت رسيدگي بدوي مي‌باشد. در نظام قبلي گات، اين امر از طريق رسمي امکان‌پذير نبود، ليکن به‌موجب بند ۴ از ماده ۱۶ تفاهم‌نامه جديد، چنانچه يکي از طرفين درخواست تجديدنظر نمايد، رکن حل اختلاف نبايد آراي هيأت رسيدگي را تا زماني‌که مرجع تجديدنظر، نظر نهايي خود را اعلام نکرده است بررسي کند. مرجع تجديدنظر به‌وسيله مرجع حل اختلاف تشکيل شده و داراي ۷ عضو مي‌باشد که درهنگام رسيدگي هر سه نفر يك موضوع را بررسي مي‌کنند.<sup>۸۶</sup> اعضاي آن براي مدت چهار سال و به‌وسيله رکن حل اختلاف منصوب مي‌گردند و نصب مجدد آنان فقط براي يك دوره ديگر بلااشکال مي‌باشد. اعضاي مرجع تجديدنظر بايد از مقامات شناخته‌شده و با تجربه لازم در

---

۸۵. ماده ۳، بند ۲.

۸۶. ماده ۱۷، بند ۱.



حقوق تجارت بین‌الملل بوده و نباید به هیچ‌کدام از دول طرف اختلاف وابسته باشند.<sup>۸۷</sup> همان‌گونه که سیر کار هیأت رسیدگی دارای زمان معینی می‌باشد، مرجع تجدیدنظر باید ظرف ۶۰ روز از تاریخ درخواست تجدیدنظرخواهی به‌وسیله عضو مربوطه، نظر نهایی خود را اعلام کند و یا در صورتی‌که چنین کاری امکان‌پذیر نباشد، مراتب را به رکن حل اختلاف اطلاع دهد. مع ذلك این مدت نباید از ۹۰ روز بیشتر گردد.<sup>۸۸</sup> برخلاف مرحله رسیدگی در هیأت‌های بدوی که دول ثالث تحت شرایط خاصی حق ورود به دعوا را داشتند، در این مرحله، دولت ثالث نمی‌تواند وارد اختلاف شود و یا تقاضای تجدیدنظر کند، ولی می‌تواند نظرات خود را کتباً به مرجع اعلام نمایند.<sup>۸۹</sup>

نکته مهم دیگر در خصوص مراجع تجدیدنظر آن است که همانند سایر مراجع تجدیدنظر، رسیدگی آن منحصر به موضوعات و تفاسیر حقوقی و قانونی است که توسط هیأت بدوی انجام پذیرفته، و به عبارت

۸۷. ماده ۱۷، بند ۲.

۸۸. ماده ۱۷، بند ۵.

۸۹. ماده ۱۷، بند ۴.

دیگر رسیدگی شکلی است نه ماهوی<sup>۹۰</sup> مع ذلك مرجع تجدیدنظر می‌تواند تصمیمات هیأت رسیدگی بدوی را اجرا کند، یا اصلاح نماید و یا نقض کند و تصمیم جدیدی را اتخاذ کند.

### قبول گزارش و آرای مرجع تجدیدنظر و

#### اجرای آن

گزارش و نظرات مرجع تجدیدنظر به مرجع حل اختلاف و نیز به طرفین اختلاف ابلاغ می‌گردد. پس از ۳۰ روز از گردش آن در بین اعضا، یا نظرات مزبور از سوی مرجع حل اختلاف پذیرفته می‌شود و یا در صورت اعتراض به آن، نسبت به گزارش رأی‌گیری به عمل می‌آید. چنانچه به اتفاق آرا این گزارش و نظرات رد گردد، قابل اجرا نخواهد بود<sup>۹۱</sup> و این همان اصل اتفاق آرای منفي می‌باشد که قبلاً از آن سخن گفته ایم. (ص ۱۵) مدت رسیدگی از زمان تشکیل هیأت رسیدگی تا پذیرش یا رد نظرات آن از سوی مرجع حل اختلاف نباید بیشتر از ۹۰ ماه (در صورت عدم درخواست

---

۹۰. ماده ۱۷، بند ۶.

۹۱. ماده ۲۱، بند ۳.

تجدیدنظر) یا ۱۲ ماه در صورت تشکیل مرجع تجدیدنظر باشد. البته چنانچه با توافق طرفین اختلاف، این مدت تمدید شده باشد، آن زمان اضافی نیز لحاظ می‌گردد.

چنانچه نظرات و گزارش هیأت رسیدگی یا تجدیدنظر از سوی مرجع حل اختلاف قبول گردد، این نظرات باید سریعاً و در ظرف مدت معین شده از سوی طرف خواننده به اجرا درآید. قبل از آن نیز دولت متخلف باید قصد خود را دایر بر اجرای بدون قید و شرط نظرات به مرجع حل اختلاف اعلام دارد. چنانچه مشکلی بر سر راه اجرای نظرات مزبور وجود داشته باشد و دولت مربوطه نتواند نسبت به اجرای آنها در اسرع وقت اقدام نماید، لازم است زمان معینی برای آن در نظر گرفته شود که این امر به سه طریق امکان‌پذیر می‌باشد:

– پیشنهاد دولت متخلف دایر بر مقرر

داشتن زمان خاصی جهت اجرای نظرات؛

– توافق دو طرف دعوا؛

– نظر داور.<sup>۹۲</sup>

لازم به تذکر است که چون اصل اختلاف و حدوث آن معمولاً به علت عدم توافق طرفین

---

۹۲. همان مدرک.

می‌باشد، لذا در عمل مشکل می‌توان زمانی معین را برای اجرای نظرات و آرای اعلام شده از طریق روش اول اعلام نمود. به این دلیل در عمل، زمان اجرای نظرات در بیشتر پرونده‌ها از طریق ارجاع امر به داور تعیین می‌گردد. برای انتخاب داور جهت تعیین زمان اجرا، طرفین باید ظرف ده روز از ارجاع امر به داور، داور مورد توافق خود را معرفی نماید. در غیر این صورت مدیرکل مرجع حل اختلاف، پس از مشورت با طرفین نسبت به انتخاب داور اقدام می‌کند. در هر حالت، زمان فوق به‌علاوه زمان رسیدگی، از زمان پذیرش پرونده نباید در مجموع بیش از ۱۵ ماه به‌طول بیانجامد.

در طول زمان اجرا چنانچه ملاحظه شود که اجرای نظرات، توصیه‌ها و آرای ارائه شده از سوی هیأت، مخالف مقررات کلی و عمومی گات است، پرونده دوباره به هیأت ارجاع، و هیأت مزبور باید حداکثر ظرف ۹۰ روز نظر جدید خود را اعلام دارد. چنانچه صدور نظریه جدید در ظرف مدت فوق امکان‌پذیر نباشد، موضوع باید کتباً و با ذکر دلایل کافی به مرجع حق اختلاف اعلام

### نظارت بر اجرای نظرات و آرای متخذه

در مقررات قبلي گات مرجع خاصي براي نظارت بر اجرای نظرات و تصميمات مراجع رسیدگی تعیین نشده بود. ولي در تفاهم‌نامه جدید خود مرجع حل اختلاف مسئول نظارت بر اجرای این نظرات و آرا شناخته شده است. امر نظارت بر اجرای نظرات به خودي خود در دستور کار مرجع حل اختلاف قرار می‌گیرد و باید این نظارت تا پایان اجرا و حل موضوع ادامه پیدا کند. دولت خوانده نیز موظف است گزارش اجرا و پیشرفت کار را ده روز قبل از تشکیل جلسه مرجع حل اختلاف به این مرجع ارسال دارد.<sup>۹۴</sup>

### کشورهای درحال توسعه

نکته مهمی که در مرحله اجرا مجدداً بر آن تأکید شده، شرایط و اوضاع کشورهای درحال توسعه می‌باشد، بنا بر ماده ۲۱، بند ۲ تفاهم‌نامه جدید چنانچه

---

۹۳. ماده ۲۱، بند ۵.

۹۴. ماده ۲۱، بند ۶.

یکی از طرفین اختلاف از بین کشورهای در حال توسعه باشد، باید در حین اجرای نظارت توجه خاص و لازم به منافع آن کشور، به عمل آید. این نکته مجدداً در بند ۷ از همین ماده تأکید شده و اضافه بر آن در بند ۸ تأکید شده که نه تنها اثر اقدامات اجرایی بر تجارت این کشورها، بلکه تأثیر آن بر اقتصاد کشور در حال توسعه مزبور نیز باید مد نظر قرار گرفته شود.

### غرامت و تعلیق امتیازات

#### *(Compensation and The Suspension of Concessions)*

قبل از ورود به بحث توضیح این نکته لازم است که اگرچه در متن مقررات گات و نیز تفاهم‌نامه ذکر شده از مقابله به مثل (Retaliation) نشده است، لیکن اکثر نویسندگان، تعلیق امتیاز را از جمله عملیات تلافی‌جویانه و مقابله به مثل می‌دانند. به نظر می‌رسد، اگرچه این مطلب از مجموع مقررات استنباط می‌شود لیکن قانونگذار (تهیه‌کنندگان اسناد دور اروگوئه) عمداً از به‌کارگیری لفظ تلافی و مقابله به مثل خودداری کرده تا از

گسترش رویه اختلاف در میان دول عضو  
جلوگیری نماید. علاوه بر آنکه به‌کارگیری  
گرامت و یا تعلیق امتیازات به‌عنوان دو  
عامل موقت تلقی شده و نه یک امر دائم و  
یا هدف غایی اجرایی مقررات گات. به  
هرحال، در صورت عدم اجرای نظرات و آرای  
اعلام شده از سوی مرجع حل اختلاف در ظرف  
زمان معقول و یا در مدت زمان توافق شده  
بین طرفین، دولت خواهان می‌تواند  
درخواست گرامت و یا تعلیق امتیازات را  
نماید که با رعایت شرایطی امکان‌پذیر  
خواهد بود.<sup>۹۵</sup> در صورت درخواست گرامت،  
طرفین برای تعیین گرامت قابل‌قبول وارد  
مذاکره می‌شوند و چنانچه ظرف ۲۰ روز  
نتوانند به نتیجه قابل‌قبولی برسند،  
خواهان می‌تواند از مرجع حل اختلاف  
تقاضای تعلیق امتیاز نسبت به دولت  
خوانده را نماید و مرجع حل اختلاف نیز  
باید ظرف ۳۰ روز نظر خود را اعلام  
دارد.<sup>۹۶</sup>

مجدداً ذکر این نکته لازم است که  
اگرچه تعلیق امتیاز به‌عنوان آخرین حربه

---

۹۵. ماده ۲۲، بند ۳، قسمت d، بندهای ۱ و ۲.

۹۶. ماده ۲۱، بند ۶.

برای رسیدن به نتیجه تلقی می‌گردد لیکن قانونگذار در موارد متعددی به طرفین هشدار داده در به‌کارگیری این روش دقت و وسواس به‌خرج دهند، لذا ضمن موقت خواندن آن، از طرف اقدام‌کننده خواسته است تا اثرات احتمالی این تعلیق امتیاز را بر تجارت کالای مورد بحث و نیز تأثیر آن را بر کل اقتصاد و تجارت دول یا دولت طرف اختلاف در نظر داشته باشد.<sup>۹۷</sup>

#### **انواع مقابله به مثل (اقدامات**

#### **تلافی‌جویانه)**

نویسندگان حقوق تجارت بین‌الملل با توجه به بندهای مذکور در ماده ۲۲ بند ۳، سه نوع اقدام تلافی‌جویانه و یا تعلیق ترتیبات تعرفه‌های تجاری و گمرکی و امتیاز را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

– اقدام متقابل هم‌عرض (Paralell Retaliation)

در این قسم، دولت خواهان باید در درجه اول دقیقاً امتیازی را تعلیق نماید که از سوی دولت خوانده نقض گردیده است.

---

۹۷. ماده ۲۲، بند ۳، قسمت d، بندهای ۱ و ۲.



مثلاً چنانچه موضوع نقض مقررات درخصوص کالا بوده، باید اقدام تلافی‌جویانه نیز درخصوص کالا به عمل آید و نه خدمات و غیره.

– اقدام متقابل مشابه (Cross – Sector Retaliation)

در این نوع، دولت خواهان باید چنانچه شق اول قابل اجرا نمی‌باشد، (اقدام متقابل هم‌عرض) حتی‌المقدور سعی نماید تا آن را درخصوص اقلام یا بخشی متفاوت ولی مشابه در همان قرارداد اجرا کند. مثلاً نقض مقررات درخصوص کالا ولی در قراردادی متفاوت با آنچه که نقض شده است.

– اقدام متقابل متفاوت (Cross – Agreement Retaliation)

چنانچه دو قسم فوق امکان‌پذیر نباشند، اقدام تلافی‌جویانه می‌تواند درخصوص موضوعی متفاوت مثلاً خدمات و از قراردادی متفاوت با آنچه که نقض گردیده به عمل آید.<sup>۹۸</sup>

---

۹۸. رجوع نماید به: پاورقی شماره ۶، ص ۶۰.

شایان ذکر است که تقسیم‌بندی اخیر، اگرچه با مخالفت تعدادی از دول شرکت‌کننده در مذاکرات اورگوئه روبرو شد، لیکن بنا بر اصرار ایالات متحده آمریکا در متن تفاهم‌نامه وارد شد. همانند مراحل دیگر اجرا، مرجع حل اختلاف وظیفه دارد بر اجرای صحیح این اقدامات نظارت کند هرگونه اقدام دوجانبه و یا بدون رعایت شرایط رسیدگی مذکور در تفاهم‌نامه منع شده است، بنابراین نه تنها دول شاکی نمی‌توانند بدون نظر مرجع حل اختلاف دست به اقدامات مقابله به مثل و یا تلافی‌جویانه بزنند، بلکه باید ابتدا مراحل اولیه رسیدگی به اختلاف، شامل مشورت، ارجاع به هیأت و غیره را پشت سر بگذارند و نیز مواعد مذکور در مقررات، سپری شده باشد و در صورت عدم حصول نتایج قابل‌قبول و با رعایت شرایط مندرج در تفاهم‌نامه، دولت یا دول مربوطه می‌توانند اقدامات نهایی خود را مانند اخذ غرامت، تعلیق امتیاز و غیره به‌کار بندند. شرایط وصول کلی این الزام قانونی در بندهای ۱ و ۲ از ماده ۲۳ درج شده است.

### ارجاع امر به داوري (Arbitration)

در ترتیبات گات ارجاع امر به داوري، آن‌گونه که در سایر موارد و اختلافات حقوق بین‌الملل مطرح می‌باشند، نیست. با توجه به اینکه مقررات گات خود نظام خاصی را برای رسیدگی به اختلافات بیان داشته است بنابراین نیازی به سایر طرق سنتی حل اختلاف از قبیل داوري و غیره وجود ندارد. به همین لحاظ در مقررات جدید گات ارجاع امر به داور، يك مرحله تجدیدنظر درخصوص اقدامات تلافی‌جویانه و تعلیق امتیازات و اثرات آن بر تجارت بین دول عضو و اقتصاد آنان، يك مرحله اضافه (داوري) برای نظارت بر حسن اجرای اقدامات مقابله به مثل در نظر گرفته است.

امر داوري که هم می‌تواند با رجوع به گروه داوران انجام شود و هم با ارجاع امر داور منفرد صورت پذیرد، زمانی امکان‌پذیر است که دولت خواننده نسبت به اقدام مزبور اعتراض داشته و آن را مطابق با مفاد مقررات گات نداند. درخواست داوري، باید ظرف ۶۰ روز از

زمان مذکور در ماده ۲۲ بند ۶ صورت پذیرد و اعضای هیأت داوران و یا داور می‌توانند از بین اعضای هیأت رسیدگی انتخاب شوند و یا در صورت عدم توافق دول ذی‌ربط، از سوی مدیرکل مرجع حل اختلاف منصوب گردند.

مع ذلك وظيفة داور و یا هیأت داوران مانند آنچه که در سایر موارد می‌باشد، گسترده نیست و نمی‌تواند ماهیت امتیازات و یا سایر تعهدات تعلیق شده را بررسی کند، بلکه وظایف داور و یا هیأت داوران در سه مورد خلاصه می‌گردد:

– بررسی و انطباق امتیازات تعلیق شده بر اثر نقض مقررات اولیه از سوی دولت یا دول خوانده؛

– انطباق امتیازات تعلیق شده با مقررات عمومی گات؛

– بررسی اجرای اصول و قواعد مقرر

در بند ۳ از ماده ۲۲ تفاهم‌نامه.<sup>۹۹</sup>

نظرات و تصمیم داور و یا هیأت داوران قطعی بوده و طرفین ملزم به اجرای آن می‌باشند. این نظرات به طرفین و مرجع حل اختلاف اعلام می‌گردد.

---

۹۹. ماده ۲۲، بن ۷.

## شرایط خاص رسیدگی به تخلفات بدون نقض

(Non-Violation)

آنچه که تاکنون بیان شد، مربوط به رسیدگی به «تخلف همراه نقض» دول عضو، یعنی تخلفاتی که ناقض مقررات کلی عمومی گات می‌باشند، بود. که قانونگذار به لحاظ اهمیت موضوع، مراحل رسیدگی خاصی را در نظر گرفته است.

اما در نوع دوم تخلفات، به دلیل آنکه معمولاً این قبیل موارد به خودی خود ناقض مقررات گات نیستند، ولی مستلزم ایراد خسارت به دول دیگر می‌باشند، شرایط رسیدگی خاصی در نظر گرفته شده که به شرح آن می‌پردازیم.

قبل از رود به بحث، ذکر این نکته خالی از فایده نیست که بدانیم بیشتر تخلفات ثبت شده از سوی دول عضو گات از نوع دوم یعنی «تخلف بدون نقض» هستند. علت این امر شاید آن باشد که دول عضو معمولاً سعی دارند مقررات عمومی گات را اجرا کرده و از نقض آشکار و صریح آن خودداری ورزند. برعکس در مواردی که ابهام وجود داشته و یا موضوع آشکارا

بیان نشده، دول عضو به اختلاف گراییده و هرکدام برحسب منافع ملی خود اقداماتی را که منجر به برخورد با منافع ملی سایر دول می‌گردد، انجام داده‌اند.

بعضاً اظهار شده که مقررات گات تلویحاً طرح اختلاف در مراجع رسیدگی را در این‌گونه موارد تجویز می‌کند. مثلاً ماده ۱۹ از توافقنامه مربوط به کشاورزی، ماده ۸ از توافقنامه مربوط به موضوعات تجاری سرمایه‌گذاری TRIMS؛ ماده ۸ از موافقتنامه مربوط به قاعده کشور مبدأ (Country of origin) و غیره. ۱۰۰

حل و فصل اختلافات مربوط به «تخلفات بدون نقض» و در نظر گرفتن شرایط کلی مندرج در بند ۳ از ماده ۲۳ از موافقتنامه عمومی خدمات GATS و نیز ماده ۶۴ از موافقتنامه مربوط به موضوعات تجاری مالکیت معنوی TRIPS و با توجه به موارد زیر انجام می‌پذیرد:

**الف.** بار اثبات دعوا برعهده دولت خواهان است. یعنی، اصل البینه علی المدعی.

---

۱۰۰. رجوع نمایند به: پاورقی شماره ۶، ص ۶۴، پاورقی شماره ۱۸۴.

قسمت (الف) از بند ۱ ماده ۲۶ تفاهم‌نامه، برخلاف «تخلفات همراه نقض» که در آنها نیازی به اثبات ضرر و زیان وجود ندارد، در اختلافات ناشی از «تخلف بدون نقض» از دولت شاکی خواسته است دلایل کافی و مستندات لازم را دال بر ورود خسارت ناشی از اقدامات دولت خوانده ارائه کند.

ب. عدم الزام دولت خوانده به توقف اقدامات مربوطه.

در «تخلفات همراه نقض» که در آن یکی از مقررات موافقتنامه گات نقض شده و یا اجرا نشده، هیأت رسیدگی و یا مرجع تجدیدنظر می‌تواند از دولت مربوطه بخواهد تا نسبت به اجرای مفاد آن مقررات، اقدام لازم و سریع را به عمل آورد. اما در نوع دوم از تخلفات، چنین الزامی وجود ندارد و تا رسیدگی نهایی و صدور نظر پایانی، الزامی بر پایان دادن به اقدامات مورد بحث نیست، اگرچه می‌توان از دولت مزبور درخواست کرد که راه حل مورد قبول دیگری را به اجرا درآورد. بدیهی است در صورت عدم حصول راه‌حلی مناسب، طرف مقابل می‌تواند با

رعایت شرایط مذکور در تفاهنامه، نسبت به غرامت و تعلیق امتیازات یا اقدام تلافی‌جویانه اقدام نماید.<sup>۱۰۱</sup>

تذکراً اشاره می‌کنیم که این اصل از ابداعات مقررات جدید نبوده، بلکه در مقررات و رویه‌های گذشته نیز وجود داشته است.

ج. غیرالزامی بودن نظرات داور یا هیأت داوران.

در تخلفات «همراه نقض»، نظرات داور و یا هیأت داوران الزام‌آور است و طرفین باید از آن تبعیت کنند. علاوه بر این، مهلت‌های خاصی برای ارجاع امر به داور و اجرای آن نظرات تعیین شده است.<sup>۱۰۲</sup>

برخلاف آن، در «تخلفات بدون نقض» اولاً نظرات داور و یا هیأت داوران الزامی نبوده و زمان‌بندی مذکور در بند فوق لازم‌الاجرا نمی‌باشد. مع‌ذلك داور یا هیأت داوران می‌توانند میزان ورود ضرر و زیان را به دولت خواهان تعیین نمایند و همچنین می‌توانند راه‌های رسیدن به نتیجه مورد قول طرفین را پیشنهاد دهند. البته

---

۱۰۱. ماده ۲۶، بند ۱، قسمت b.

۱۰۲. ماده ۲۱، بند ۳، قسمت c.



این پیشنهاد برای طرفین الزام آور نیست.<sup>۱۰۳</sup>

د. اخذ غرامت به عنوان بخشی از راه حل مسالمت آمیز.

در تخلفات «همراه نقض»، قبلاً گفتیم که غرامت راه حل موقتی است که در صورت عدم اجرای مراحل رسیدگی از سوی عضو خاطی، به وسیله دولت خواهان و بنا بر شرایط خاصی موقتاً قابل اجرا خواهد بود. برعکس در «تخلفات بدون نقض»، غرامت بخشی از راه حل مورد قبول طرفین است که به عنوان یک راه حل پایانی، اختلاف را پایان می دهد.<sup>۱۰۴</sup> به عبارت دیگر غرامت در «تخلفات بدون نقض» کمتر با توافق طرفین و به عنوان پایان اختلافات تعیین می شود، در حالی که در تخلفات همراه نقض موقتاً اجرا می شود و بنا بر درخواست خواهان، مرجع حل اختلاف مجوز انجام آن را صادر کرده و توافق طرفین شرط نمی باشد.

**راه های دیگر رسیدگی به اختلافات براساس**

**سایر مقررات**

---

۱۰۳. ماده ۲۶، بند ۱، قسمت c.

۱۰۴. ماده ۲۶، بند ۱، قسمت d.

اگرچه مقررات مربوط به رکن حل اختلاف در تفاهم‌نامه جدید، بسیاری از مشکلات قبلی را حل کرده و توان و نظم خاصی به روند رسیدگی به اختلافات در بین اعضای گات بخشیده است، لیکن هنوز این نظام جدید به تنهایی نمی‌تواند عهده‌دار حل و فصل اقسام گوناگون اختلافات درون گات باشد، مضافاً آنکه بنا بر توافق طرفین اختلاف و یا بنا بر ماهیت موضوع راه‌حلهای دیگری نیز می‌توان در نظر گرفت.

این مهم تحت‌عنوان قواعد و رویه‌های اضافی و یا خاص در ضمیمه شماره ۲ از تفاهم‌نامه حل اختلاف درج شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به اختلافات ناشی از فروش کالا به قصد خارج کردن رقبای تجاری به قیمت ارزانتر از معمول (Dumping) و مقررات رسیدگی به آن، یا اختلافات راجع به یارانه کالا و یا تجارت منسوجات اشاره نمود که در مقررات اصلی گات به لحاظ اهمیت موضوع راه‌کارهای چندی، برای حل اختلافات در این‌گونه موضوعات وضع گردیده است.

علاوه بر موارد فوق موارد دیگری نیز

وجود دارد که طی موافقتنامه‌های قبلی به آنها اشاره شده بود ولی در مذاکرات دور اروگوئه مورد بحث واقع نگردید. در این‌گونه موارد چنانچه اختلافی بروز کند، اگرچه طرفین مخیر هستند که به مقررات تفاهم‌نامه جدید استناد جویند، لیکن می‌توانند به مقررات سابق نیز رجوع کرده و بر آن اساس نسبت به رفع اختلاف اقدام نمایند. این موافقتنامه‌ها که در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسیده عبارتند از:

- موافقتنامه مربوط به تجارت هواپیماهای تجاری.
- موافقتنامه مربوط به کارپردازی دولتی.
- موافقتنامه مربوط به گوشت.

### تجارت خدمات

بند ۳ از ماده ۲۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات (Gats) مقرر می‌دارد که:

«در صورت عضویت یک دولت در قراردادهای بین‌المللی مربوط به ترتیبات جلوگیری از مالیات مضاعف (Double Taxation) دول دیگر نمی‌توانند به

نگرشی بر ساختار... ❖ ۱۹۹

مواد آن جهت توقف آن استناد جویند.  
چنانچه اختلافی در این مورد ایجاد  
گردد، آن اختلاف می‌تواند نزد شورایی  
تجارت خدمات مطرح شود و شورایی مزبور  
اختیار ارجاع امر را به داور دارد و  
تصمیم داور، نهایی خواهد بود».<sup>۱۰۰</sup>

علاوه بر این، بند ۳ از ماده ۲۳  
موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، مقرر  
می‌دارد که:

«درخصوص «تخلفات بدون نقض»، دولت  
متضرر می‌تواند از دولت دیگر درخواست  
مذاکره کرده و قبل از اقدام به تعلیق  
امتیاز با آن به توافق برسد».

همچنین بند ۴ از الحاقیه خدمات حمل  
و نقل هوایی (Annex On Air Transport Services)  
مقرر داشته:

«چنانچه اختلافی حاصل گردد، توسل به  
مقررات حل و فصل در صورتی امکان‌پذیر  
است که تمام راه‌حلهای دوجانبه به‌کار  
گرفته شده و موفقیت لازم را کسب نکرده  
باشند».

---

۱۰۵. ماده ۲۲، بند ۳، از GATS.

در این راستا می‌توان به تصمیم خاص وزرای گات نیز اشاره نمود که مراحل رسیدگی به اختلاف راجع به خدمات را تا حدود زیادی تسریع کرده‌اند.<sup>۱۰۶</sup>

از جمله موارد دیگر که در آن ترتیبات خاص و ویژه‌ای برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته شده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

— مواد ۱۷۰۴ تا ۱۷۰۷ از مقررات فروش به قیمت کمتر به منظور خروج رقیب از بازار (Dumping).

— مواد ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ الحاقیه ۲ راجع به موانع فنی در تجارت.

— مواد ۴۰۲ تا ۴۱۲، ۶۰۶، ۷۰۲ تا ۷۱۰، ۸۰۵، ۲۵۰۴، ۲۸۰۶ و الحاقیه V از اقدامات راجع به سوبسید و جبران آن.

— مواد ۱۹۰۳، ۱۹۰۵، الحاقیه دوم بند ۲، قسمت F، مواد ۳، ۹ و ۲۱ از ارزیابی تعرفه‌ها.

— ماده ۳۶ از مقررات بهداشتی و بهداشت گیاهی.

علاوه بر موارد فوق، باید به

---

106. Ministerial Decision on Certain Dispute Settlement Procedures on Trade and Services.

توصیه‌های خاص راجع به طرفیت کشورهای در حال توسعه در اختلافات و لحاظ شرایط ویژه آنان نیز اشاره کرد که به نوبه خود می‌تواند استثنایی بر مقررات عمومی حل و فصل اختلافات در گات تلقی گردد.

### استثنا در اجرای مقررات گات

از جمله سؤالاتی که ممکن است به ذهن خطور کند، مخصوصاً پس از مطالعه نظام حل و فصل اختلافات و نیز تأکید بر لزوم پایبندی به مقررات موافقتنامه‌های عمومی گات، این است که آیا دولت یا دولتهایی می‌توانند نسبت به قبول و یا اجرای ماده‌ای از مواد گات و یا بخشی از موافقتنامه‌ها حق خود را محفوظ نگه داشته و یا در زمان خاصی از رعایت آن عدول نمایند؟ در پاسخ باید گفت به‌طور کلی این امکان صراحتاً در مقررات عمومی موافقتنامه گات رد شده و تنها شرایطی استثنایی است که مقررات مزبور چنین حقی را به دول مربوطه داده است.<sup>۱۰۷</sup> همچنین ممکن است سؤال شود که در صورت بروز اختلافی دیگر، غیرتجاری یا

---

۱۰۷. ماده ۱۶، بند ۵ از گات.

غیرمربوط به گات بین اعضا و یا بروز جنگ و تشنجات سیاسی، آیا امکان عدم اجرای مقررات گات وجود دارد یا خیر؟ در مقررات تفاهم‌نامه ذکر شده از این موضوع نشده و باید پاسخ این سؤال را با رجوع به مقررات کلی گات یافت. ماده ۲۱ مقررات عمومی گات تحت‌عنوان استثنائات امنیتی، سه مورد عام را برشمرده که دول عضو می‌توانند بر آن اساس از اجرای مقررات گات خودداری نمایند:

**الف -** در صورتی که انجام تعهدات مستلزم ارائه اطلاعات و اخباری باشد که افشای آن مخالف منافع اساسی و امنیتی کشور مربوطه باشد.

**ب-** اقدامات مغایر با مقررات عمومی گات، که برای حفظ منافع اساسی و امنیتی آن کشور انجام شده، مثلاً جلوگیری از حمل و نقل وسایل و ادوات نظامی به کشور درگیر جنگ.

**ج-** اقدامات مغایر با مقررات عمومی گات، که مانع از اجرای تعهدات آن کشور نسبت به سازمان ملل در جهت تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی بوه است.

با توجه به بندهای فوق می‌توان چنین

نگرشی بر ساختار... ❖ ۲۰۳

نتیجه گرفت که هر دولت عضو گات در صورتی می‌تواند از اجرای مقررات آن خودداری ورزیده و یا اقدامی مغایر با آن مقررات انجام دهد، که منافع امنیتی آن کشور در میان بوده و یا برای جهت تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی باشد. اگرچه ظاهراً این موارد خالی از ابهام به نظر می‌رسند، لیکن باید توجه شود که همیشه موضوع به این سادگی نبوده و در مواردی مشکوک و مبهم، دولت یا دولتهایی می‌توانند با استناد به موارد فوق از اجرای مقررات مزبور خودداری ورزند. به عبارت دیگر تشخیص امنیت ملی و صلح بین‌المللی و تطبیق شرایط موجود می‌تواند آن را با تفسیرهای متفاوت و مبهم روبرو نماید.

به نظر می‌رسد با توجه به تفسیرهای متفاوت و برداشتهای گوناگون از امنیت ملی و صلح بین‌المللی، چنانچه دولت یا دولتی با استناد به موارد فوق اقداماتی را به اجرا درآورد، دولت یا دولتهای ذینفع می‌توانند موضوع را با هیأت رسیدگی ارجاع و در نهایت، نظر مرجع حل اختلاف را درخواست نمایند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که علی‌رغم



امكان عدم اجرائي مقررات عمومي گات تحت  
عناوين فوق، دولت يا دول مربوطه، مصون  
از پيگيري امر توسط مراجع حل اختلاف  
نمي‌باشند و طرح قضيه به‌عنوان يك اختلاف  
محتمل است.

## بخش ۲

### بررسي ماهوي مرجع حل اختلاف و مقررات آن

همان‌گونه که ملاحظه شد، در بخش اول  
اين مقاله، عمدتاً نظام حل و فصل  
اختلافات در گات سابق و نيز در سازمان  
تجارت جهاني به‌صورت شكلي بررسي شد که  
شامل تاريخچه، نحوه کار و چگونگي  
شکل‌گيري مرجع حل اختلاف و نيز اجرائي  
نظرات و آراي آن است.

در اين بخش به بحث پيرامون چند  
موضوع كلي و ماهوي درخصوص مرجع حل  
اختلاف و مقررات آن مي‌پردازيم که شامل  
حاکميت دول، الزامي بودن مقررات مرجع  
حل اختلاف، قانون حاکم و در نهايت  
محدوده اجرائي مقررات است.

### اصل حاکميت دول و الزامي بودن مقررات

نگرشي بر ساختار... ❖ ۲۰۵

## مرجع حل اختلاف

از جمله بحث‌های مهم و اختلاف‌برانگیز که در طول عمر گات همیشه مطرح بوده، ماهیت مقررات آن و مسأله تحدید حاکمیت دول عضو می‌باشد. سؤال که آیا مقررات حاصله از امضای معاهده گات و به‌خصوص مقررات حاکم بر حل و فصل اختلاف ماهیت حقوقی داشته و یا اینکه صرفاً جنبه سیاسی دارن و می‌توانند از طریق مذاکرات سیاسی جرح و تعدیل گردند.

بر اساس نظریه اول، یعنی قائل بودن به ماهیت حقوقی مقررات گات و قواعد مرجع حل اختلاف، دول عضو ملزم به اجرای مطلق آن بوده و تصمیمات مراجع حل اختلاف، راجع به موضوعات مطروحه لازم‌الاجرا می‌باشند. لذا مذاکرات سیاسی نقش چندانی در اجرا یا جرح و تعدیل این مقررات ندارد. علاوه بر آن، مطابق این نظریه لازم است که تشکیلات مستقلی از دول و نظرات سیاسی آنان، عهده‌دار رسیدگی به اختلافات حاصله میان دول عضو گردد مانند دادگاه یا دیوانهای بین‌المللی که متشکل از قضات و یا داوران مستقل می‌باشند. طرفداران این نظریه که به حقوق‌گراها

(Legalists) معروف هستند، معتقدند که در صورت ارتکاب هرگونه تخلف در معاملات تجاری بین دول عضو، مرجع حقوقی ذی ربط باید دولت یا دول متخلف را براساس مستندات قانونی شناسایی و در صورت احراز تخلف نسبت به اتخاذ تصمیم قانونی و اجرای مجازات لازم اقدام نماید.

برخلاف گروه اول، گروه دیگری که موسوم به عملگراها (Pragmatists) می‌باشند، معتقدند که ماهیت گات و حتی سازمان تجارت جهانی، ماهیتی اقتصادی — سیاسی است تا حقوقی و لذا مقررات آن برای دول عضو الزام آور نمی‌باشد. براساس نظرات این گروه، الزامی بودن هرگونه مقررات در روابط تجاری منجر به محدودیت حاکمیت دول عضو شده و نه تنها مشکلی را مرتفع نمی‌سازد، بلکه منجر به از هم پاشیدن هرگونه پیمان تجاری از جمله گات خواهد شد، چرا که دول عضو حاضر نیستند حاکمیت سیاسی خود را فدای روابط تجاری نمایند. و تحدید حاکمیت دولت برای منافع تجاری امری است که دولتها به آن تن در نمی‌دهند. براساس نظرات عملگراها، چنانچه اختلافی در روابط تجاری بین دول

نگرشی بر ساختار... ❖ ۲۰۷

عضو يك پيمان حادث گردد، بايد از طرق سياسي نسبت به حل و فصل آن اقدام نمود، چرا كه نتيجه بهتر و روشن تري خواهد داشت.<sup>۱۰۸</sup>

اختلاف بر سر ماهيت مقررات تجاري، موضوع جديد و مربوط به سالهاي اخير نبوده، بلکه از همان ابتدای تشکیل گات مطرح بوده است. در این خصوص لازم است مختصراً توضیحی پیرامون سوابق امر ارائه گردد. در پس تشکیل کنفرانس معروف به کنفرانس برتون وود (Bretton Wood Conference) که در سال ۱۹۴۴ برگزار شد، سه سازمان معروف جهانی تشکیل گردید:

– سازمان تجارت بین المللي (ITO) International Trade Organiation)

– صندوق بین المللي پول (International Montary Fund)

– بانک جهانی The World Bank

از این سه، سازمان اول یعنی ITO به منصفه ظهور نرسید ولی دو سازمان بعدی تشکیل شدند که هنوز به حیات خود ادامه

---

۱۰۸. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله زیر رجوع شود:

G. Richard Sheil: "Trade Legalism and Internatioal Relation Theory: An Analysis of The WTO" Duke Law Journal, Vol. 44, No. 5 (1995), pp. 829-927.

می‌دهند و تشکیلات و مقررات آنها نیز بارها اصلاح شده است در مقررات مربوط به ITO که زیربنای مقررات گات به‌شمار می‌روند، تصمیمات داوری در رسیدگی به اختلافات احتمالی بین دول الزام‌آور نبوده و طرفین ملزم به اجرای قطعی آن نبودند.<sup>۱۰۹</sup> مع ذلك، نظریه حقوق‌گراها (Legalists) در طول اجرای مقررات گات قوت بیشتری گرفت و سیر رسیدگی به اختلافات مخصوصاً از سال ۱۹۵۵ بیشتر جنبه قانونی و حقوقی پیدا کرد تا سیاسی، مع ذلك چنانکه شایسته بود هنوز تصمیمات متخذه الزام‌آور نبوده و دول عضو درگیر اختلاف، مجبور به اجرای آن نبودند که یکی از نقاط ضعف مهم گات سابق به‌شمار می‌رفت.

هنوز هم با وجود مقررات سازمان تجارت جهانی و مرجع حل اختلاف آن که ضمانت اجرایی نیز دارند، این عده نسبت به ماهیت حقوقی مرجع حل اختلاف تردید دارند و معتقدند که ماده ۲، بند ۲ از موافقتنامه اصلی سازمان تجارت جهانی، از سند تشکیل‌دهنده مرجع حل اختلاف و مقررات آن به‌عنوان یک تفاهم‌نامه

---

۱۰۹. ماده ۲۳، بند ۲، از چارت ITO.

(Understanding) نام برده که شدت درجه الزامی بودن آن به مراتب ضعیفتر از معاهده (Treaty) می‌باشد. به این ایراد چنین پاسخ داده شده که چون موافقتنامه اصلی سازمان تجارت جهانی و ضمایم آن یکجا به‌عنوان معاهده تلقی شده، می‌توان گفت که ماهیت تفاهم‌نامه راجع به حل اختلاف با ماهیت موافقتنامه اصلی یکی است.<sup>۱۱۰</sup>

لازم به تذکر است که وجود نظریات متفاوت نسبت به ماهیت تفاهم‌نامه، در طول مذاکرات دور اروگوئه باعث شد طرح‌های مختلفی از سوی دول شرکت‌کننده ارائه و سرانجام طرح ارائه شده از سوی دولت نیوزیلند پس از جرح و تعدیل در ماده (۱) تفاهم‌نامه مورد قبول واقع شد.

در پایان می‌توان گفت اگرچه بحث بین حقوق‌گراها و عمل‌گراها بر سر ماهیت این مقررات پایان نیافته، ولی معاهده جدید گات و تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات، به‌عنوان یک معاهده الزام‌آور جایگاه خود

---

110. Kohonu, P.T.B.: "Dispute Resolution Under the WTO an Overview" (1994) 28 Journal of World Trade, pp. 23 – 47, at Page 46.

را بین دول عضو یافته و این دولتها با امضای آن حاکمیت خود را محدود ساخته‌اند — امری که معمولاً با امضای سایر قراردادهای بین‌المللی مطرح و عموماً این دول با اطلاع کافی از منافع چنین قراردادهایی نسبت به تحدید حاکمیت خود اقدام می‌کنند، اگرچه در بعضی موارد مخالفت‌هایی را نیز باعث شده‌اند.

### قانون حاکم

از جمله دیگر مباحث ماهوی درخصوص مقررات تفاهم‌نامه حل اختلاف، بحث مربوط به قانون حاکم بر اختلافات می‌باشد. معمولاً در پیمانهای بین دول، مقررات داخلی دول عضو، مقررات بین‌المللی و یا حتی مقررات کشور ثالثی به‌عنوان قانون حاکم در متن معاهده ذکر می‌گردد. راه حل دیگر برای آن دسته از معاهدات که ذکر از قانون حاکم در آن نشده، عبارت است از بهترین قانون لازم‌الاجرا که در ابتدای اختلاف در تعیین داور می‌گردد و شروع آن برعهده داور یا داوران گذشته می‌شود.

در گات سابق ذكري از قانون حاكم بر اختلاف به عمل نيامده بود، لذا اين ترديد وجود داشت كه کدام قانون مي‌تواند حاكم باشد: قانون هريك از كشورهاي طرف اختلاف، مقررات بين‌المللي و يا قانون كشوري ثالث؟

در معاهده NAFTA كه بين سه كشور امريكا، كانادا و مكزيك منعقد شده، قانون حاكم، قانون كشور خوانده مي‌باشد يعني كشوري كه متخلف قلمداد شده است اين امر در واقع پاياني است بر مشكلات و موانع عديده‌اي كه در گذشته سد راه اجراي دقيق و سريع تصميمات مزبور مي‌شد. در نظام گات، بند ۲ از ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف مشكل را اينگونه پايان داده كه قواعد عرفي تفسير در حقوق بين‌الملل عمومي حاكم بر اختلاف خواهد بود. بدین‌ترتيب مقررات موجود سازمانی تجارت جهانی حاكم بر اختلافات بوده و در صورت نیاز به تفسیر باید براساس مقررات و قواعد عرفی تفسیر در حقوق بین‌الملل عمومی اقدام گردد.



## محدوده و شمول مقررات جدید

اگرچه در ابتدای این مقاله مختصراً راجع به شمول مقررات جدید بحث کردیم اما به نظر می‌رسد توضیح بیشتری لازم باشد. یکی از سؤالات مطروحه با توجه به مقررات جدید مرجع حل اختلاف، آن است که محدوده شمال این مقررات چیست؟ برای پاسخ این سؤال باید توجه کرد که معمولاً سه قسم اختلاف در روابط تجاری وجود دارد.

قسم اول: دعاوی موجود که قبل از به رسمیت شناختن مقررات جدید حادث شده‌اند، یعنی اختلافات ناشی از عدم اجرای مقررات سابق گات.

قسم دوم: اختلافات حاصله از عدم اجرای مقررات تکمیلی گات سابق مانند قواعد مونترال.

قسم سوم: دعاوی اختلافات حاصله از عدم اجرای مقررات سازمان تجارت جهانی. مقررات جدید مرجع حل اختلاف، براساس بند ۱ از ماده ۳، تفاهم‌نامه اختلاف تنها ناظر به اختلافات جدیدی است که پس از به اجرا درآمدن مقررات سازمان تجارت جهانی حادث می‌گردند و لذا شامل بر

اختلافات سابق نمی‌باشند. اما این سؤال همچنان مطرح است که تکلیف اختلافات سابق چه خواهد شد؟

در پاسخ باید گفت که در طول روند مذاکرات دور اروگوئه، مقررات موقت دیگری به نام قواعد مونترال *Montral Rules* در ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ برای سرعت بخشیدن به سیر رسیدگی به اختلافات در گات به تصویب رسید. اما این مجموعه پس از تصویب و به اجرا درآمدن مقررات معاهده جدیدگات به‌عنوان معضل دیگری همچنان وجود دارد. یعنی هم‌اکنون سه نوع مقررات وجود دارد که قلمرو محدوده اجرایی آنان به‌درستی روشن نمی‌باشد.

یک راه‌حل ساده آن بود که مقررات جدید با الحاق تبصره یا ماده‌ای، شمول خود را بر دعاوی و اختلافات سابق گسترش دهد و موضوع را خاتمه دهد. لیکن چون چنین بیان شده که گات ۱۹۴۷ با گات ۱۹۹۴ دو معاهده متفاوت هستند و هر دو تلویحاً به رسمیت شناخته شده‌اند، نمی‌توان به‌سادگی از ترتیبات قبلی عدول کرد. بدین‌لحاظ در کنفرانس مربوط به تشریفات اجرایی انتقال گات ۱۹۴۷ به سازمان

تجارت جهانی در ۸ دسامبر ۱۹۹۴ تصمیم گرفته شد که به ترتیب ذیل عمل گردد:

– پرونده‌ها و اختلافات موجود که در حال بررسی و رسیدگی هستند باید براساس مقررات و قواعد مونترال رسیدگی گردند.

– پرونده‌ها و اختلافات حاصل از معاهده ۱۹۴۷ گات باید براساس مقررات همان معاهده رسیدگی شوند.

– پرونده‌ها و اختلافات جدید پس از به امضا رسیدن تفاهم‌نامه، باید براساس مقررات جدید بررسی و رسیدگی شوند.

### **نتیجه**

از مباحث گذشته دو نتیجه کلی می‌توان استنباط نمود: اول آنکه نظام حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی (WTO) استحکام و نظم بیشتری از آنچه که سابقاً در گات وجود داشت، دارد این امتیاز می‌تواند تا حدود زیادی به چگونگی حل اختلاف دول عضو کمک کرده و سیر رسیدگی به اختلافات تجاری را سرعت بخشد. این امر را می‌توان نتیجه مقررات جدید پیرامون تشکیلات اداری مراجع حل

اختلافات و نیز مقررات مربوط به زمان‌بندی رسیدگی به اختلافات دانست. مثلاً برنامه‌های زمان‌بندی شده در مقررات جدید عامل مهم و اساسی برای جلوگیری از هرگونه کارشکنی دول‌خاطی در مسیر اجرای مقررات کلی‌گات جدید می‌باشد. البته همان‌گونه که توضیح داده شد، وجود یک مرحله جدید یعنی تجدیدنظر این فرصت را به طرفین خواهد داد تا چنانچه حقی از آنان مورد تهدید واقع شود بتوانند از طریق مناسب از آن جلوگیری نمایند.

همچنین می‌توان به درج اصل اتفاق آرای منفی نیز اشاره داشت که به وسیله آن دیگر، دولت و یا دول‌خلافکار دیگر نمی‌توانند از اجرای نظرات هیأت رسیدگی جلوگیری نمایند — موضوعی که حاکمیت مقررات حل و فصل اختلافات در گات سابق را تحت‌الشعاع خود قرار داده، و عملاً کارایی و بازدهی مطلوبی نداشت.

نتیجه دوم، ماهیت حقوقی مقررات گات جدید و مخصوصاً مقررات مرجع حل اختلاف (DSB) می‌باشد. همان‌گونه که مشروحاً بیان گردید، اگرچه در سال‌های قبل از به اجرا درآمدن مقررات مرجع حل اختلاف در سازمان

تجارت جهانی، جدالی بین حقوق‌گراها و عمل‌گراها وجود داشت، که البته هنوز نیز به نحوی ادامه دارد، لیکن برداشت از مقررات جدید آن است که نظام حل و فصل اختلافات جدید بیشتر به سوی یک نظام حقوقی و لازم‌الاجرا می‌رود تا یک نظام سیاسی. این نکته نیز از تأکید قانونگذاران گات بر اجرای بیشتر مقررات گات و استفاده از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در موارد ابهام و تردید عیان می‌گردد. مع ذلك، هنوز هم نمی‌توان به‌طور قطع و یقین اظهار نمود که مقررات جدید صرفاً و مطلقاً حقوقی محض می‌باشند چراکه با سابقه‌ترین مراجع قضائی و حقوقی بین‌المللی نیز پس از سالیان متمادی تحت تأثیر سیاستهای مختلف دول گوناگون قرار دارند.

مراحل مختلف سیر رسیدگی به اختلافات در  
سازمان تجارت جهانی (WTO)

